

نوجوان

۱۷۴



توصیه‌های راهگشای
رهبر عزیز انقلاب
به نوجوانان در مورد اهمیت
ماه رجب و اعمال این ماه

ماهنامه فرهنگی - اجتماعی - اسفند - سال ۱۳۹۸ - قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

ویژه‌نامه‌ای جذاب و خواندنی برای نوجوانان عزیز
به مناسبت فرا رسیدن سال ۱۳۹۹

مهمانی شکوفه‌ها



خاطرات نوجوانی و جوانی ناخدا صمدی
فرمانده تگاوران نیروی دریایی ارتش



گفت‌وگوی اختصاصی با ایرج حسابی فرزند
پرفسور حسابی

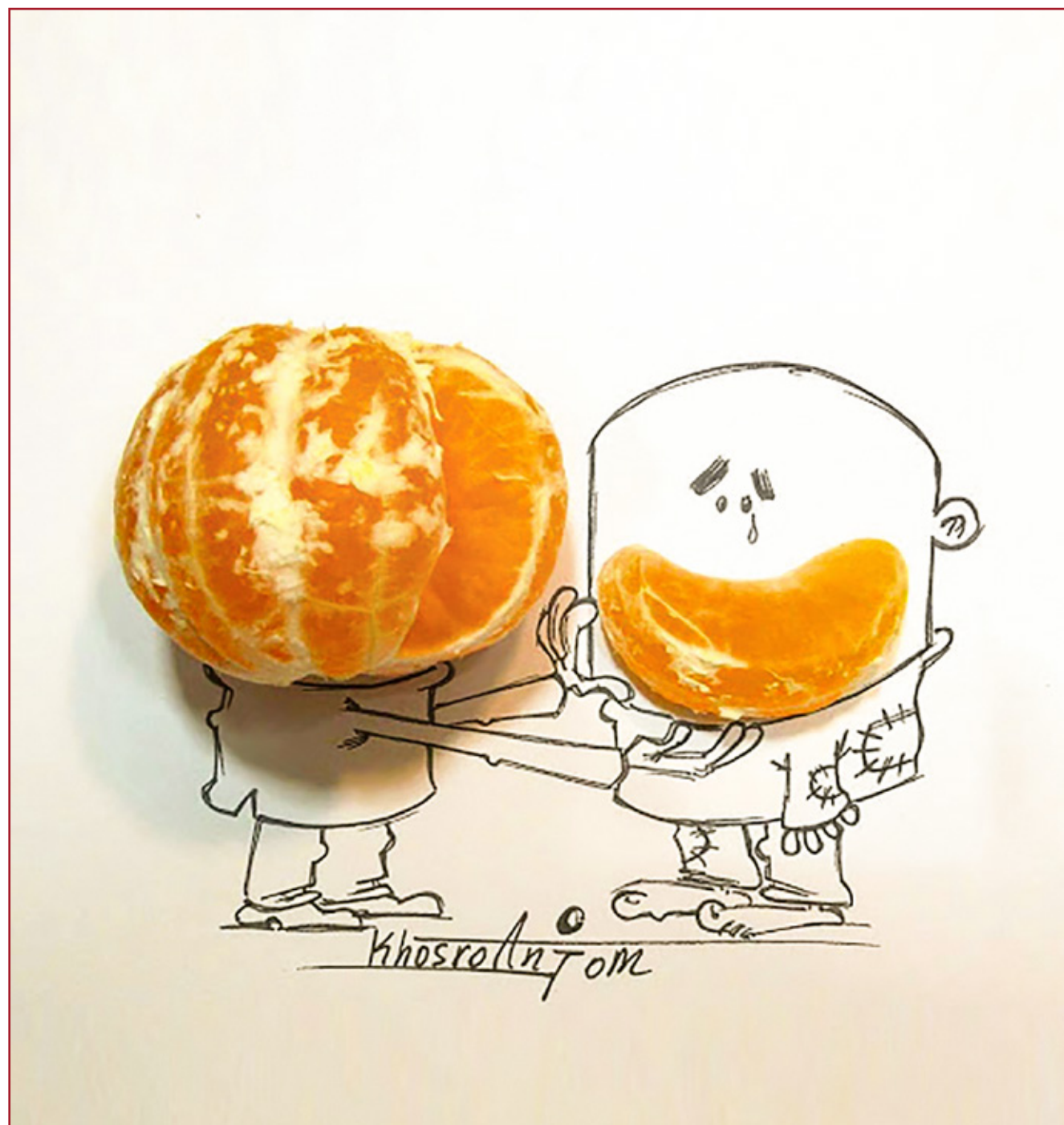




«امام صادق (ع)»

هر کس غمی از مؤمنی بردارد و به او نیکی کند خداوند حاجت دنیا و آخرت او را برآورده سازد.

به مناسبت ۱۴ اسفند روز احسان و نیکوکاری



طرح: مجید خسرو انجم

اهمیت حفظ محیط زیست و درختکاری در کلام رهبری

درختکاری درس بزرگی است که همه ما باید آن را خوب فرا بگیریم

روز درختکاری یکی از پربرکت ترین روزها در تقویم ما است

درخت ها به زندگی ما سلامتی و نشاط می بخشند

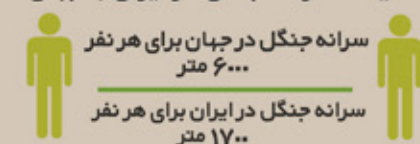
برای حفظ درخت ها و محیط زیست حرف کافی نیست باید عمل کرد

درخت ها جان دارند و ما در حفظ جان درختان مسئول هستیم

نوجوانان عزیز باید قدر درختان را بدانند و از آنها محافظت کنند

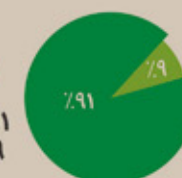


مقایسه سرانه جنگل در ایران با جهان



در طول ۷ سال آینده، هر ایرانی باید ۲۰۰ اصله نهال بکارد تا به سرانه مطلوب جنگل برسیم

مساحت ایران ۹۱٪ مساحت ایران بدون جنگل ۹٪ سهم جنگل های ایران



چهارشنبه سوری نه چهارشنبه سوزی

چند روزی بیشتر به چهارشنبه سوری نمانده است. جشنی که با نزدیک شدن به نوروز در شب آخرین چهارشنبه سال یعنی سه شنبه شب برگزار می شود. در گذشته های نه چندان دور جشن چهارشنبه سوری شادی و خوشحالی را به همراه داشت. پیر و جوان در کنار هم با اجرای برنامه هایی شیرین، مانند پریدن از روی بوته های آتش، چهارشنبه سوری را جشن می گرفتند. حالا اما چند سالی می شود که دیگر از آن مراسم های شیرین خبری نیست، بوته ها جای خود را به ترقه ها و مواد منفجره خطرناک داده است. خانواده ها دیگر از رسیدن چهارشنبه سوری خوشحال نیستند و از چند روز مانده به شب چهارشنبه سوری تا تمام شدن این روز، دلهره و اضطراب از وقوع آتش سوزی و سوختگی ناشی از ترکیدن ترقه ها آرام و قرار را از آنها گرفته است. بچه های امروز فراموش کرده اند چهارشنبه سوری از جشن های قدیمی ما است و نباید بابتی احتیاطی این روز را برای خود و دیگران تلخ کنند. چند سالی می شود که شنیدن خبرهایی مانند آتش گرفتن خانه ای در اثر منفجر شدن مواد آتش زا یا سوختن دست و صورت کودکان و نوجوانان شیرینی چهارشنبه سوری را از ما گرفته است. از شما بچه ها می خواهیم حالا که چهارشنبه سوری نزدیک است بیایید به یکدیگر قول بدهیم تا سراغ ترقه و مواد آتش زا نرویم. دوستان خوبم فراموش نکنید پولی که شما بابت خرید مواد آتش زا و ترقه می دهید پدر و مادرتان به سختی به دست می آورند. یادتان باشد که دشمن سعی می کند با تبلیغات خود ما را از آئین ها و سنت هایمان دور کند، پس امسال چهارشنبه سوری را با نه گفتن به خرید ترقه به چهارشنبه سوزی تبدیل نکنید.

سخن سردبیر



سرمقاله

کلام راهنما

مرور اخبار نوجوان

قهرمان من

خاطره بازی

داستان مصور

سفرنامه نوجوان

هنرمند

حکایت ها

یار مهربان

طنزخانه تکانی

آداب اسلامی

موزه گردی

پیشنهاد

سرزمین من

شگفتی خلقت

نوجوان موفق

الگوی نوجوان

داستان طنز

قصه ها و مثل ها

تندرستی

گردشگری

داستان مصور

سرگرمی

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۷۶ اسفند ماه سال ۱۳۹۸
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر رحیم نریمانی
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری
دبیر تحریریه: معصومه ماه پیکر

همکاران این شماره:
مهدیه کاویان، سعید موسوی
آتنا آهنگری، امیر علی معمار
امیر بیگلری، الهه حسن پور،
عیسی محمدی، علی سیف الهی و ...

همکاران گرافیک:
مدیر هنری: امیر رضا ماهان
صفحه آرا: عباس رضایی عزت
تصویر گر: علیرضا باقری

امور فنی: آتلیه نشر شاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
امور مشترکین: محمدرضا اصغری
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸



نشانی الکترونیکی:
mag.navideshahed.com

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی
خیابان ملک الشعرای بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* مجله برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود.
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

بهار آسمانی در بهار نوجوانی

توصیه‌های راهگشای
رهبر عزیز انقلاب
به نوجوانان در مورد اهمیت
ماه رجب و اعمال این ماه

منبع: khamenei.ir

- نماز اول وقت بخوانید
- خوش اخلاق باشید
- از گناه بپرهیزید
- قرآن تلاوت کنید
- زیاد دعا کنید



مقطع طلایی

امروز شما عزیزانم، اگر خود را به
کارهای نیک، رفتار نیک، اخلاق نیک وادار
کنید و عادت بدهید. شخصیت شما همین
طور شکل می‌گیرد و تا آخر عمر این
دست‌آورد با شما خواهد بود، به خصوص در
سن نوجوانی که مقطع طلایی زندگی
همه انسان‌ها است.

بهار نوجوانی
بهار موفقیت است

فرصت ویژه

هر یک روز ماه رجب، نعمت خداست. در هر ساعتی از این
ساعات، یک انسان اگر هوشمند و زرنگ و آگاه باشد، می‌تواند
چیزی را بدست بیاورد که در مقابل آن، همه‌ی نعمت‌های دنیا پوچ
است؛ یعنی می‌تواند رضایت، لطف و توجه خدا را بدست بیاورد.

راهنمای تکمیل‌کننده

ماه رجب فرصت خوبی است برای شما نوجوانان عزیز،
این ماه، ماه دعاست، شما عزیزانم با دل‌های پاک‌تان
می‌توانید از خدای متعال هر آنچه را آرزو دارید طلب
کنید، بنابراین سعی کنید از خدا بهترین‌ها را بخواهید.

اتصال به بیزهایت

ای نوجوانان عزیز، ای که شما دل‌های مهربان و پاکی دارید، قدر
ماه رجب را بدانید، این ماه و ماه‌های شعبان و رمضان بهترین
فرصت برای وصل کردن دل‌ها به لطف و نور پروردگار است.



خودسازی همه‌جانبه

امروز شما نوجوانید؛ استعداد شما امروز برای فراگیری و
خودسازی خیلی زیاد است؛ پس تا می‌توانید از این فرصت
استفاده کنید، قدر خود را بدانید. خودسازی کنید؛ هم خودسازی
جسمی و هم خودسازی معنوی و روحی و هم خودسازی فکری.

مراقبت از لایب‌الآن

انسان‌های بزرگ چه در گذشته و چه در حال، مثل
آیت‌الله بهجت؛ اینها همان کسانی بودند که از نوجوانی و
جوانی، یعنی از همین سنی که شما هستید، مراقبت از خود
را شروع کردند و هر لحظه از شیطان و گناه دوری کردند.

ذخیره‌انتری برای کل سال

ماه رجب، ماه شعبان و رمضان، بهترین فرصت برای خودسازی در
طول سال است، تا می‌توانید در این ماه‌ها نیروی معنوی در خودتان
ذخیره کنید و خود را برای حرکت عظیم زندگی آماده کنید.



گردآورنده: امیرحسین علومی

در این دو صفحه قصد داریم
مهمترین اخبار حوزه نوجوان در کشور عزیزمان را
در قالب تصویر مرور کنیم. با ما همراه شوید



مهمترین اخبار نوجوان
سال ۱۳۹۸



مرداد | علیرضا فیروزجا اولین سوپر
استادبزرگ تاریخ شطرنج ایران شد
۱۳۹۸



مرداد | نوجوانان غیور ایرانی در مسابقات جهانی
والیبال موق به کسب مقام قهرمانی شدند
۱۳۹۸



بهمن | لوح تقدیر هیأت داوران جشنواره فیلم
فجر برای بازیگران نوجوان فیلم «خورشید»
۱۳۹۸



مرداد | حضور پر شور دختران دانش آموز نوجوان در
مراسم ۱۳ آبان و روز دانش آموز
۱۳۹۸



بهمن | حضور پراقتدار نوجوانان ایرانی در مراسم وداع با
قهرمانشان - حاج قاسم سلیمانی
۱۳۹۸



تیر | کشتی گیران آزادکار نوجوان ایرانی
مقتدارنه قهرمان قاره آسیا شدند
۱۳۹۸



خرداد | امیر محمد، نوجوان ۱۲ ساله زنجانی
کم سن ترین داوطلب کارشناسی ارشد
۱۳۹۸



فروردین | قهرمانی دختران نوجوان تکواندوکار در
مسابقات قهرمانی آسیا
۱۳۹۸



مهر | پارسا خائف، نوجوان خواننده با استعداد اردبیلی
نفر سوم مسابقه استعدادیابی «عصر جدید» شد
۱۳۹۸



آبان | دیدار نوجوانان دانش آموز با پدر دلسوز
و مهربان انقلاب مقام معظم رهبری
۱۳۹۸



فروردین | محمدرضا رحمانی فر، نوجوان کشورمان نفر
اول پرتاب دیسک جهان در سال ۲۰۱۹ شد.
۱۳۹۸

مطالبی خواندنی درباره

دوران نوجوانی حضرت علی (ع)

به بهانه تولد ایشان و روز پدر

پدر یتیمان

سعيدكاويانی

“

حضرت امیر المومنین علی (ع) نمونه واقعی و والای یک پدر در طول تاریخ است. ایشان چه برای فرزندان بزرگوار خود و چه برای تمام کودکان و نوجوانان همانند پدری دلسوز و مهربان بود. ایشان بیشتر ساعت عمر گرانبهای خود را صرف رسیدگی به کودکان و نوجوانان یتیم و بی سرپرست می کرد. اما چه چیز باعث شد حضرت علی (ع) به این جایگاه بزرگ برسد و دارای چنین خصوصیتی باشد. ما در این مطلب سعی داریم درباره دوران نوجوانی حضرت علی (ع) برای شما بگوییم. با ما همراه شوید.

شاگرد مکتب پیامبر (ص)

حضرت علی (ع) تا سن هشت سالگی تحت سرپرستی پیامبر (ص) بود، همین امر باعث شده بود که تمام خصوصیت های والای رسول اکرم در حضرت علی (ع) نیز شکل بگیرد، زیرا پیامبر (ص) در تربیت ایشان نقش بسزایی داشتند و از همان کودکی مسائل دینی و انسانی را به ایشان می آموختند. حضرت علی (ع) نیز علاقه فراوانی به ایشان داشتند و او را مانند پدری دلسوز دوست داشتند. پیامبر (ص) درست و غلط را از کودکی به حضرت علی (ع) آموختند، مهمترین نکتهای که ایشان به او سفارش کردند، همواره اطاعت از خدا و احترام به پدر و مادر بود. حضرت علی (ع) نزد پیامبر درس خدانشناسی آموخت و از همان دوران کودکی و نوجوانی یاد گرفت که به بزرگترها باید احترام بگذارد به خصوص پدر و مادر، حتی زمانی که پیامبر حضرت را به دین اسلام دعوت کرد، ایشان با اینکه سن کمی داشت از پیامبر خواست اول از پدر و مادرش اجازه بگیرد، همین امر نشان می دهد که چقدر جایگاه پدر و مادر نزد حضرت علی (ع) بالا بود.

الگوی رفتاری دوستانش بود

حضرت علی (ع) در زمان نوجوانی نسبت به همسن و سالان خود شخصیت بزرگتر و متفاوتی داشت، ایشان به نیازمندان کمک می کرد و سعی می کرد به دوستان خود هم بیاموزد که باید به نیازمندان کمک کرد، او با انجام کارهای درست و انسانی تلاش می کرد الگوی مناسبی برای همسن و سالانش باشد، در حالی که خودش هم سن کمی داشت. شور و هیجان به یادگیری در حضرت علی (ع) از نوجوانی بسیار بود، ایشان علاقه بسیاری به علم اندوزی و یادگیری دانش داشت. در کارها به پدر و مادر خود کمک می کرد و با توجه به اصولی که از پیامبر آموخته بود، هیچگاه صدایش را نزد بزرگترها بالا نمی برد.

صبر در برابر مشکلات

حضرت علی (ع) چه در دوران کودکی و چه نوجوانی، مشکلات بسیاری را پشت سر گذاشت و با مسائل بسیاری روبرو شد، ولی از همان نوجوانی آموخت که باید در برابر امتحانات الهی و مشکلات زندگی ایستادگی کند و صبر پیشه گیرد، چرا که اعتقاد قلبی اش بر این بود که انسان ها با صبر کردن می توانند به جایگاه اصلی خودشان برسند.

یقین و ایمان قلبی به خدا

حضرت علی (ع) وقتی که نوجوان بود با دعوت پیامبر (ص) دین اسلام را پذیرفت، از همان زمانی که ذکر «لا اله الا الله» را بر زبان آورد با بصیرت تا پایان عمر لحظه ای به پیامبر و حرکتش شک نکرد و با یقین و ایمان قلبی به خدا، مسیر زندگی خود را ساخت. حضرت با این که سنی کمی داشت، ولی خود را موظف کرد که بر مسیری که خدا پیش رویش قرار داده حرکت کند و از غفلت و گمراهی دوری کند. همین خصلت های بزرگ بود که ایشان را به جایگاه والای امامت رساند.

مربی و معلم به منزله پدر

در دین اسلام علاوه بر این که به حفظ جایگاه پدر بسیار اشاره شده و احترام پدر را از واجب ترین امور دانسته در برخی از روایات نیز توصیه کرده علاوه بر پدر واقعی خود به پدری که ما را پرورش داده است (مربی) و پدری که به ما آموزش داده است (معلم) نیز باید احترام بگذاریم. «همچنین در برخی روایات، احترام به برادر بزرگتر نیز توصیه شده و او را به منزله جانشین پدر شمرده اند.

احسان به پدر و مادر

در آیات بسیاری از قرآن مجید، فرزندان به احسان و نیکی کردن به پدر و مادر امر شده اند که از آن جمله: آیه ۸۳ سوره بقره، آیه ۳۶ سوره نساء، آیه ۱۵۱ سوره انعام، آیه ۲۳ سوره اسراء، آیه ۱۵ سوره احقاف و آیه ۸ سوره عنکبوت. در این باره، یکی از یاران امام صادق علیه السلام از معنای احسان در آیه ۸۳ سوره بقره پرسید. آن حضرت فرمود: «یعنی با آنان به طور شایسته رفتار کنی و پیش از آنکه مجبور شوند چیزی از تو بخواهند، تو نیازشان را برآورده سازی، اگر چه از نظر مال بی نیاز باشند».

سپر آتش

خدمت به پدر و مادر، از وظایف دینی و اخلاقی ماست. این امر، علاوه بر پاداش های آخرتی، در سر نوشت مادی و خوشبختی ها و موفقیت های زندگی دنیایی ما بسیار اثر گذار است. این وظیفه در زمان ضعف و پیری آنان، اهمیت بیشتری دارد. در روایتی آمده است: مردی از یاران امام صادق (ع) به آن حضرت گفت: پدر من بسیار کهن سال و ناتوان است، باید کارهای او را من انجام دهم و نمی توانم راه بروم، بنابراین من مجبور هستم او را بر دوش بگیرم. حضرت فرمود: «خداوند به تو پاداش زیادی در این دنیا و آخرت خواهد داد و همین کمک به پدر همچون سپری تو را از آتش قیامت محافظت خواهد کرد».

خاطرات نوجوانی و جوانی ناخدا صمدی
فرمانده تکاوران نیروی دریایی ارتش

پشتیبانی مردم باعث پیروزی شد

معصومه ماه پیکر

“

در طول ۸ سال جنگ تحمیلی فرماندهان نقش مهمی در اجرای موفقیت آمیز عملیات ها داشتند. رشادت این دلیر مردان باعث شد تا حتی یک وجب از خاک کشورمان به دست دشمن نیافتد. «ناخدا هوشنگ صمدی» فرمانده تکاوران نیروی دریایی ارتش هم یکی از این افراد است. او در روزهایی که می خواست از ارتش تسویه کند وقتی فهمید دشمن به میهن عزیزمان حمله کرده است ماند تا از کشورش دفاع کند. در گزارش پیش رو ناخدا از خاطرات نوجوانی و روزهای جنگ بر ایمان می گوید.

روزهای سخت تحصیل

ناخدا صمدی متولد یکی از روستاهای استان اردبیل است. او با افتخار می گوید: «سال ۱۳۱۸ در روستای کلخوران اردبیل به دنیا آمدم. ما ۶ برادر و یک خواهر بودیم و من کوچکترین عضو خانواده ام بودم. مدرسه روستا تا کلاس چهارم را داشت، برای همین وقتی کلاس پنجم رفتم ناچار در یکی از مدارس شهر اردبیل ثبت نام کردم.» ناخدا از خاطرات تحصیل در مدرسه روستا می گوید: «خیلی از بچه های روستا وقتی کلاس چهارم را تمام می کردند چون باید برای ادامه تحصیل به شهر می رفتند مجبور بودند ترک تحصیل کنند. من و یکی از پسرعموهایم که با هم دوست بودیم در مدرسه شهر ثبت نام کردیم. فاصله روستا تا مدرسه ۳/۵ تا ۴ کیلومتری می شد. ما مجبور بودیم هر روز این مسیر را طی کنیم تا به مدرسه برسیم. هیچ وقت یادم نمی رود زمستان که می شد برف سنگینی می بارید و ما باید این مسیر را در حالی که پاهایمان تا زانو در برف بود راه می رفتیم تا به مدرسه برسیم.» سختی های راه مدرسه تنها به برف و سرما ختم نمی شد. ناخدا حرف هایش را ادامه می دهد: «برف و سرما یک طرف و حمله گرگ ها هم مشکلی بود که اغلب من و پسرعمویم داشتیم. هر بار وقتی گرگی می دیدیم سر و صدا می کردیم تا سگ ها و بزرگترها به کمک مان می آمدند. با همه سختی ها بالاخره توانستم کلاس پنجم را تمام کنم.»

قبولی در دانشکده افسری

ناخدا صمدی دبیرستان را در تهران درس خوانده است. او می گوید: «برادران بزرگترم تهران بودند به همین دلیل خانواده ام با ادامه تحصیل در تهران مخالفت نکردند. دوره دبیرستان را که تمام کردم تصمیم گرفتم سربازی بروم. سال ۱۳۳۷ بود که به عنوان سرباز وظیفه با درجه ستوان ۳ به سربازی رفتم. شهریور سال ۱۳۳۹ در کنکور دانشگاه افسری قبول شدم و پس از پایان تحصیلاتم سال ۱۳۵۴ از بین ۸۶ نفر داوطلب وارد نیروی دریایی منجیل شدم. بعد از اینکه دوره عالی را گذراندم به بوشهر منتقل شدم و فرماندهی گردان نیروی دریایی بوشهر را برعهده گرفتم.» ناخدا صمدی کمی قبل از حمله صدام به ایران تقاضای بازنشستگی کرده بود او وقتی شنید دشمن به خاک کشورش حمله کرده با وجودیکه با بازنشستگی اش موافقت کرده بودند، ماند تا از کشورش دفاع کند. ناخدا می گوید: «وقتی شنیدم صدام به خرمشهر حمله کرده است به فرمانده ام که گفت تسویه حسابت روی میز من است می روی یا می مانی؟ گفتم: من ۲۰ سال درس خواندم و تلاش کردم تا از کشورم دفاع کنم. برای تحصیل من پول خرج شده و حالا که کشورم به من نیاز دارد نمی توانم بروم پس می مانم.»

طرح صدام شکست خورد

ناخدا با افتخار می گوید که پشتیبانی کل مردم بخصوص مردم خرمشهر با نیروهای نظامی باعث شد تا صدام نتواند خرمشهر را بگیرد. او می گوید: «آن روزها صدام گفته بود که یک روزه خرمشهر را می گیرد و ۳ روزه خوزستان را از ایران جدا می کند و در مدت یک هفته رادیوی عراق در میدان آزادی به صدا درمی آید. صدام نمی دانست که مردم ایران ملتی غیور و شجاع هستند. تکاوران نیروی دریایی با کمک مدافعین خرمشهر این نقشه صدام را نقش بر آب کردند. آنها ۳۴ روز در برابر دشمن ایستادند و جنگیدند اما اجازه ندادند یک وجب از خاک خرمشهر به دست دشمن بیافتد.» ناخدا صمدی از روزی که به همراه گردانش برای دفاع از خرمشهر رفتند می گوید: «۳۱ شهریور ماه با ۷۰۰ نفر و ۱۱۲ ماشین مجهز ساعت ۱۲ شب از بوشهر به سمت خرمشهر حرکت کردیم. صبح اول مهرماه و دومین روز از جنگ به خرمشهر رسیدیم و در نقاط مختلف خرمشهر پخش شدیم، ساعت ۱۱/۵ شب به شلمچه رسیدیم به کمک مدافعین خرمشهر ساعت ۵ عصر روز ۴ مهرماه توانستیم شلمچه ایران را از دست عراقی ها نجات دهیم و شلمچه عراق را هم تصرف کنیم. در این عملیات ۲۱ نفر از عراقی ها را هم به اسارت گرفتیم.» فرمانده دلیر تکاوران از رشادت همه مردم در جنگ می گوید: «در عملیات آزاد سازی خرمشهر ما یک گروهان حدودا ۲۰۰ نفره از تکاوران بودیم که با کمک نیروهای مدافع خرمشهر مانند سپاه و بسیج و شهربانی و هوانیروز توانستیم پیروز شویم. معتقدم اگر پشتیبانی همه مردم نبود خرمشهر را نمی شد آزاد کرد. پیروزی جنگ نتیجه ایستادگی و شجاعت همه بود.»

برگرفته از خاطرات سردار شهید حسن باقری

✨ معصومه ماه پیکر

درسته ولی خیلی خسته شدیم من که واقعا دیگه پاهام نای رفتن ندارم، انقدر کف پاهام را داغ نموده که نمی توانم پاهام را زمین بگذارم.

خدا را صد هزار مرتبه شکر دست پر بر می گردیم. با اطلاعاتی که داریم قطعا عملیات موفق خواهد داشت.

به نظر من هم بد نیست یه کمی استراحت کنیم و نماز را هم همین جا بخوانیم

به نظر من به آبی استراحت کوتاه بزنیم و بایه نماز را بریم تو سنگر خودمان بخونیم

تبلی نکن دیگه نماز اول وقت هم ثواب بیشتری داره و هم لذت بیشتری! تازه کلی هم سفارش شده برای نماز اول وقت

خدا را صد هزار مرتبه شکر ببین چه آب زلالیه واقعا خدا همه جور هوی بنده هاش را داره.

دقیقا همینطور خدا هر لحظه مواظب بنده هاش است و این را من همیشه حس کردم تو شرایط سخت تنهام نگذاشته.

واقعا حق باتوست ببین وسط این جاده تو خاک عراق، آب به این زلالی و خنکی ما هست خدا حواسش به

چرا رفتی اون ور جاده؟ اونجا که همش سنگلاخ و تیغه

شما هم بیا همین طرف به نظرم اینطرف نماز بخونیم بهتره یه جای هموار هم هست

چرا مگه اون طرف ایرادش چیه؟ همانجا روی چمن ها نماز می خونیم و همونجا هم یه چرتی می زنیم؟

درسته اونجا سر سبزه ولی اونجا زمین کشاورزیه، قطعا صاحب داره و ما هم که ازش اجازه نگر فتنیم، شاید صاحبش راضی نباشه! به نظرم این طرف بخونیم خیلی بهتره. توکل به خدا.

شهید باقری اهمیت بسیار زیادی به شریعیات و اصول دین می داد. او حتی در سخت ترین شرایط هم لحظه ای غفلت نمی کرد.

✨ تصویرگر: علیرضا باقری

اعتکاف یعنی نزدیک شدن به خدا

پتو، بالش و لباس ها و وسایل شخصی ام که در ۳ روز حضورم در مسجد لازم می شد را گوشه اتاق گذاشتم. کتابهای درسی ام را هم همراهم برداشته بودم. فصل درس و مدرسه بود و چون نمی خواستم از دیگر بچه های کلاس عقب بمانم پس کتاب هایم را هم همراهم برداشتم تا در مدت حضورم در مراسم اعتکاف درس هایم را هم مرور کنم. بابا ما را با ماشین مسجد برد. اولین بار بود که در مراسم اعتکاف شرکت می کردم. دیدن آن همه معتکف که آمده بودند تا در این ۳ روز با خدای خود راز و نیاز کنند حال و هوای دلنشینی به مسجد داده بود. خانم های پیر و جوان در کنار دختران نوجوان هر کدام گوشه ای را انتخاب کرده و نشسته بودند. از همان ابتدا حس غریبی پیدا کرده بودم. از اینکه قرار بود در این ۳ روز میهمان خدا باشیم و به خدا نزدیکتر شویم خوشحال بودم. وسایلم را که گوشه ای گذاشتم با خاتمی که کنارم نشسته بود مشغول خواندن دعای توسل شدم. شوق حضور در مراسم اعتکاف در شب اول خواب را از چشمانم ربوده بود. تا سحر بیدار ماندم و قرآن خواندم. سحر بعضی از خانم های معتکف وقتی فهمیدند نعیمه هم می خواهد روزه بگیرد، به او گفتند روزه گرفتن برای تو سخت است روزه کله گنجشگی بگیر اما نعیمه همه ۳ روز را مانند بقیه روزه گرفت.

حس خوب دعا خواندن

صبح سیزدهم رجب و اولین روز اعتکاف خانم سخنرانی مسجد آمد و برای ما درباره اعتکاف حرف زد. قبل از نماز ظهر هم به همراه پیشنماز مسجد نماز قضا خواندیم. بعد از نماز ظهر و عصر هم مراسم قرآن خوانی داشتیم. خیلی خوب بود با وجودیکه چند نفری از دخترها همسن و سال من بودند اما نمی دانم چه چیز باعث می شد که غیر از نماز و دعا و بحث های دینی هیچ حرف دیگری با هم نمی زدیم، نمی دانم شاید از تاثیر حس نزدیک شدن به خدا بود یا فضای معنوی مسجد. همیشه در برنامه های تلویزیونی می دیدم که افراد معتکف از حال و هوای اعتکاف می گفتند. اینکه تا معتکف نشوی نمی توانی حس خوب این فضای معنوی را درک کنی. حالا باور می کردم که چه حس شیرینی بود. قبل از افطار هم خاتمی آمد و درباره مسائل احکام با ما صحبت کرد. شب بعد از افطار چون اولین بار بود که من و نعیمه اعتکاف آمده بودیم بابا به همراه مامان بزرگ و بابا بزرگ به دیدن ما آمدند. کلی خوراکی خریده بودند که بعدا با بچه های مسجد خوردیم. برنامه روز دوم هم مثل روز اول بود. در روز سوم اما صبح دعای ام داود (ع) و دعای مخصوص این روز را خواندیم. عصر بعد از افطار بابا بزرگ با دسته گل قشنگی جلوی مسجد ایستاده بود تا ما را به خانه ببرد. سوار ماشین شدیم نمی دانم چرا دلم گرفته بود شاید چون قرار بود مهمانی خدا را ترک کنیم.

عطر دلنواز
اعتکاف

ماه رجب تازه شروع شده بود. آن روز غروب طبق برنامه همیشگی با مامان و نعیمه خواهر کوچکترم حاضر شدم تا برای نماز جماعت مسجد برویم. توی مسجد صحبت از اعتکاف بود. قبلا هم درباره مراسم اعتکاف خیلی شنیده بودم. دوست داشتم در این مراسم شرکت کنم. بعد از نماز به خانه که آمدیم با مامان درباره ثبت نام برای مراسم اعتکاف صحبت کردم. مامان هم موافق بود تا مرا هم همراه خودش برای شرکت در مراسم اعتکاف ببرد. نعیمه وقتی فهمید قرار است ما اعتکاف برویم اصرار کرد تا با ما بیاید. قرار شد در مسجد نزدیک خانه ثبت نام کنیم تا اگر بابا یا مامان بزرگ خواستند به دیدنمان بیایند مشکلی نداشته باشند. وقتی ما مدرسه بودیم مامان برای ثبت نام به مسجد محل رفت. مسئولای مسجد گفتند که بچه های کمتر از ۱۰ سال را ثبت نام نمی کنند. نعیمه ۹ سال داشت و چون مامان قول داده بود او را هم برای اعتکاف ببرد، مجبور شدیم در مسجد دوازده امام (ع) که کمی دورتر از خانه مان بود ثبت نام کنیم.

خاطرات فهیمه افتخار نژاد
از مراسم اعتکاف

میهمان خدا

معصومه ماه پیکر

ماه رجب ماه بزرگی است. ماهی که در آن مراسم اعتکاف برگزار می شود. معتکفین از روز سیزدهم تا پانزدهم رجب با حضور در مساجد از زرق و برق دنیا دل کنده و به راز و نیاز با خدای خود مشغول می شوند. اعتکاف برای نوجوانانی که اولین بار در این مراسم معنوی شرکت می کنند حال و هوای دیگری دارد. حسی که به قول نوجوانان معتکف تا تجربه نکنی نمی توانی آن را درک کنی. فهیمه افتخار نژاد یکی از دانش آموزانی است که سه سال قبل در مراسم اعتکاف شرکت کرد. گزارش زیر خاطرات این نوجوان از حس و حال حضورش در این مراسم معنوی است.



خیلی از عروسک‌های تلویزیون را دوست دارم مثل عروسک‌های مجموعه «خونه مادربزرگه»، «مدرسه موش‌ها»، «سنجد»، «کلاه قرمزی و دوستان» و ... هاپوکومار در خونه مادربزرگه، پسرخاله در کلاه قرمزی.



محمد بحرانی از عروسک‌های معروف تر از خودش برای شما می‌گوید

«جناب خان» مثل فرزندم است

✦ رضا پولادی

شاید بیشتر شما محمد بحرانی را شناسید ولی قطعاً همه شما با عروسک جناب خان آشنا هستید، (صدا پیشه) یا همان کسی که به جای جناب خان حرف می‌زند همان محمد بحرانی است، جناب خان با برنامه خندوانه در مدت کوتاهی عروسک محبوب بیشتر ما ایرانی‌ها شد. به همین بهانه برای ویژه‌نامه آخر سال سراغ محمد بحرانی صداپیشه، عروسک‌گردان، بازیگر، شاعر و مجری حوزه نوجوان رفتیم و با او به گفت و گو نشستیم، او به ما از عروسک‌های محبوبش و دوران نوجوانی و جوانیش تعریف کرد، با ما همراه شوید تا در مورد عروسک گردانی و شخصیت جناب خان آشنا شوید.



برای ما تعریف کنید که چه طور به حوزه بازیگری و صداپیشگی وارد شدید؟
من از دوران نوجوانی علاقه بسیاری به بازیگری داشتم، به همین دلیل در کنار درس و تحصیل در اوقات فراغتم تمرین بازیگری می‌کردم، از این که صدای شخصیت‌های کارتون‌ی را بتوانم دریاورم لذت می‌بردم و همیشه در خیال خود شخصیت‌هایی را خلق می‌کردم و از زبان آنها حرف می‌زدم. همین امر باعث شد در دانشگاه رشته کارگردانی را انتخاب کنم. در همان دوره تحصیل در دانشگاه چند کار کوتاه در حوزه کودک و نوجوان با هدف آموزش برای شبکه دو ساختم، اما بعدها به خاطر علاقه‌ام وارد دنیای عروسک‌ها و صداپیشگی شدم.

ظاهراً شما خانوادگی به حوزه نوجوان علاقه دارید به ویژه همسر شما هم عروسک‌گردان هستند و در ساخت بسیاری از برنامه‌ها به شما کمک می‌کند. آیا تا به حال به ساخت یک پروژه خانوادگی فکر کرده‌اید؟
من و همسر هر دو در همین زمینه درس خوانده ایم. ما کارهای مشترک زیادی داریم که یکی از موفق ترینشان «کلاه قرمزی» هست که او عروسک‌گردان عروسک «دببی» و من هم در آن مجموعه صداپیشه بودم. در مورد پروژه خانوادگی هم باید بگویم که یک کار عروسکی را سال‌ها پیش با نام «استاد همه‌چی دون» با هم داشتیم.

کدام عروسک‌هایتان را بیشتر از همه دوست دارید، بدون تعارف برای ما بگویید؟
راستش من تمام عروسک‌های ایرانی، چه آنهایی را که خودم عروسک گردانی کردم و چه کارهای دیگر را دوست دارم، منتهی جناب خان برای من چیز دیگری است. او مثل فرزندم می‌ماند، بعضی وقت‌ها حرف‌هایی که جناب خان می‌زند دقیقاً حرف‌های خودم هست، شخصیت من و جناب خان به هم بسیار نزدیک است ولی در مورد عروسک‌های دیگر به ناچار باید شخصیت آنها را صداپیشگی کنم.

چگونه می‌توانید نقش چندین عروسک را بازی کنید؟ آیا آقای همساده، ببی، جناب خان و ... با هم تداخل پیدا نمی‌کنند؟
ما ارتباط عمیقی با عروسک‌ها برقرار می‌کنیم اما به هر حال این هنر ماست و باید یاد بگیریم که عروسک‌ها را در ذهن‌مان از هم جدا کنیم و نحوه صحبت کردن و شخصیت هر کدام را به شکلی جداگانه در ذهنمان نگهداری کنیم.

آیا کارهای عروسکی دیگر را هم دنبال می‌کنید؟
کدام عروسک برای شما محبوب تر است؟
خیلی از عروسک‌های ایرانی را که در تلویزیون بودند دوست داشتم مثل عروسک‌های مجموعه «خونه مادربزرگه»، «مدرسه موش‌ها»، «سنجد»، «کلاه قرمزی و دوستان» و هاپوکومار در خونه مادربزرگه، پسرخاله در کلاه قرمزی محبوب‌ترین عروسک‌هایم هستند.

کمی برای ما از دوران نوجوانی خودتان بگویید؟
در زمان نوجوانی امکانات بسیار محدود بود، در آن زمان دسترسی به انیمیشن و فیلم مثل الان ساده نبود. زمان ما برنامه‌ها محدود به تلویزیون بود، ولی با همه اینها من از همان نوجوانی فهمیده بودم که باید در آینده وارد این کار شوم، بنابراین تمام برنامه‌ریزی و تلاش‌م را در این حوزه کردم. زمانی که مدرسه می‌رفتم جزو گروه تئاتر مدرسه بودم و حتی یادم است دو تا کار تئاتر را هم خودم کارگردانی کردم.

توصیه شما به نوجوانان علاقه‌مند به حوزه بازیگری و کارگردانی چیست؟
به نظر من هر کسی اگر به مسیری که عشق و علاقه دارد برود قطعاً موفق خواهد شد البته باید تلاش کند و از شکست‌ها و محدودیت‌ها خسته نشود، من توصیه می‌کنم نه تنها برای این کار بلکه برای هر کاری پشتکار و توکل به خدا رمز موفقیت است.

چرا جناب خان نسبت به سایر عروسک‌ها محبوبیت بسیار بالایی بین مردم دارد؟

به نظر من جناب خان رمز موفقیتش صداقت و شجاعتش است، جناب خان مانند عروسک‌های دیگر خیلی ظاهر عجیبی ندارد، انگار یکی از خود ما است که فقط شکل و جنس متفاوتی دارد، جناب خان هم غمگین می‌شود و هم خوشحال و هم عصبانی، جناب خان تمام تلاشش را می‌کند تا با همه ارتباط برقرار کند و با حرف‌هایش دل کسی را نکشند، جناب خان تمام مردم را دوست دارد. البته این عروسک راه خنداندن مردم را خوب بلد است و از اینکه می‌بیند مردم لبخند روی لبانشان هست؛ لذت می‌برد. جناب خان را فقط کودکان و نوجوانان دوست ندارند بلکه بزرگترها هم دوستش دارند.





در ایران، روز پنجم اسفند، به بزرگداشت مقام علمی این بزرگمرد اختصاص دارد و به نام «روز مهندس» گرامی داشته می‌شود

مروری بر زندگی دانشمند بزرگ ایرانی
خواجه نصیرالدین طوسی

عالم علوم

گردآوری: مرجان خسروی
erfanvahekmat.com
طرح: علیرضا باقری



دوران کودکی

خواجه نصیرالدین طوسی در یازدهم جمادی الاول سال ۵۹۷ هجری قمری در طوس به دنیا آمد. ابتدا نامش را «محمد» گذاشتند. پدرش از دانشمندان شهر قم بود که در علوم اسلامی یکی از بزرگان روزگار خود به شمار می‌رفت. محمد بعدها به لقب‌های بسیاری چون «ابوجعفر»، «نصیرالدین»، «محقق طوسی»، «استاد البشر» و «خواجه» شهرت یافت. کودکی و نوجوانی نصیرالدین طوسی در شهر طوس گذشت. او در دوران کودکی و نوجوانی پس از خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، قواعد زبان عربی و فارسی، معانی و بیان و حدیث را نزد پدر بزرگوار و دانشمند خودش آموخت. مادرش او را در خواندن قرآن و متون فارسی یاری می‌کرد. پس از آن به توصیه پدر، نزد دایی‌اش «نورالدین علی بن محمد شیعی»، که از اندیشمندان مشهور در ریاضیات، حکمت و منطق بود، رفت تا آن علوم را بیاموزد.

مقام علمی خواجه

خواجه نصیرالدین در ریاضیات، پزشکی، هندسه، نجوم، فلسفه، فقه و حدیث بسیار مهارت یافت. پس از حمله مغول به ایران او وارد دربار حکومت هلاکو خان شد و علم و دانش خود را گسترش داد. او همچنین در این دوره از نفوذ سیاسی زیادی نیز برخوردار شد و در همین زمان کتابخانه‌ای تأسیس کرد و برای علوم مختلف، مدارس و دانشکده‌هایی را فراهم کرد و برای دانشجویان حقوق و مزایای مشخصی معین کرد تا علم آموزی را گسترش دهد. به همین دلیل، عالمان و دانشمندان زیادی به این مراکز آمدند.

صاحب اخلاق ناصری

خواجه نصیر اهمیت زیادی به اخلاق و ایمان می‌داد. او اعتقاد داشت که اگر جامعه‌ای قرار است اصلاح شود باید اول اخلاق در آن اصلاح شود. او فکر و قلبی سالم و پاک داشت. کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیر، الگوی بسیاری از مسلمانان و غیرمسلمانان است. هر کسی در ایران و هند و عثمانی اگر می‌خواست چیزی در زمینه اخلاق بنویسد، از کتاب اخلاق ناصری او الگوبرداری می‌کرد. خواجه نصیرالدین طوسی برخی از علوم را نزد عطار نیشابوری آموخت.

رصدخانه مراغه

یکی از اقدامات مهم خواجه نصیرالدین طوسی ساخت رصدخانه در سال ۶۵۷ هجری است. خواجه نصیر قبل از افتتاح رسمی رصدخانه از دنیا رفت و فرزند بزرگش، مسئولیت اداره این بنای عظیم را به عهده گرفت و کار پدر را به نتیجه رساند. بنیاد بین‌المللی ستاره‌شناسی، نام جدید این رصدخانه است. بسیاری از دانشمندان بزرگ ایرانی و خارجی پیشرفت علم نجوم و ستاره‌شناسی را مدیون ساخت این رصدخانه در مراغه می‌دانند و حتی برخی این رصدخانه را به عنوان نخستین رصدخانه ستاره‌شناسی جهان نام می‌برند. البته خواجه نصیر علاوه بر علم ستاره‌شناسی در توسعه و پیشرفت علم ریاضی و منطق در ایران نیز نقش داشت.

این نابغه جهانی

شخصیت والای خواجه نصیر و دانش عجیب او، قرن‌هاست که باعث حیرت و شگفتی تمام دانشمندان جهان است. خواجه نصیرالدین طوسی همچنین ۸۰۰ کتاب و رساله در ریاضیات، نجوم، فلسفه و مسایل اجتماعی نوشته است. یکی از دانشمندان بزرگ آلمانی درباره خواجه نصیر گفته است: «مشهورترین عالم و دانشمند قرن هفتم هجری، بدون شک خواجه نصیرالدین طوسی است.» خواجه نصیرالدین طوسی، سرانجام پس از عمری تلاش در علم و دانش در هجدهم ذی القعدة ۶۷۳ هجری قمری در بغداد از دنیا رفت.



خاطرات شنیدنی
مصطفی رحمان دوست
شاعر محبوب کودکان و نوجوانان:

نوروز و بچه کشون

آشنا آهنگری

“

مصطفی رحمان دوست را بیشتر شما می شناسید و شعرهایش را در کتاب های درسی تان خوانده اید. شاعر محبوب کودکان و نوجوانان خاطرات بسیاری از دوران کودکی و نوجوانی خود دارد، خاطراتی که مانند شعرهایش شنیدنی و جذاب است. سراغ این شاعر کودک و نوجوان رفتیم تا برآیمان از خاطرات نوروزش در دوران کودکی و نوجوانی بگویید.

مرد حمامی بهانه ای برای شعر

دوران کودکی اش مانند بسیاری از کودکان آن زمان گذشت. رحمان دوست از روزهایی که برای اولین بار شعر گفت می گوید: «خیلی کوچک بودم که شعر گفتم. فکر می کنم ۵ یا ۶ سال داشتم. آن زمان خانه ها حمام نداشتند و باید بیرون حمام عمومی می رفتیم. حمام ها صبح ها زنانه بود و مرد ها نیمه شب حمام می رفتند. آن زمان بچه ها در حمام با کیسه کشیدن به شستشوی بزرگترها کمک می کردند. به یاد دارم یک شب وقتی حمام رفتیم پدر از ما خواست تا به مردی لاغر و استخوانی کمک کنیم خود را بشوید، موقع کیسه کشیدن مرد آنقدر لاغر بود که مهره هایش را می شد بشمارد. مرد از حال و روزش نالید و گفت که مسافر است و باید به شهرش برگردد. به خانه که برگشتم حال و احوال آن مرد باعث شد تا من بیت شعری در وصفش بگویم. آن شعرا ادامه دادم و فردا در کلاس خواندم، معلم گفت که تو شاعری و این نوشته شعر است همان شروع شعر گفتن من شد.»

تصویری از نوجوانی
مصطفی رحمان دوست

چاپ اولین نوشته در دبیرستان

رحمان دوست حرف هایش را ادامه می دهد و از دعوای کودکی می گوید: «آن زمان در بین بچه ها برای خود بزرگی می کردم. اغلب با هم جمع می شدیم و می رفتیم با بچه های محله دیگر دعوا، کتک می خوردیم و کتک می زدیم بعد هم پشت سر آن دعوا، آشتی بود و آن بچه ها هم به جمع ما اضافه می شدند و با هم بازی می کردیم.» مادرش مثنوی را تا حدودی می دانست. شاعر محبوب کتاب های درسی می گوید: «اولین شعرهایی که حفظ می کردم شعرهای مثنوی بود. مادرم نیمچه صدایی داشت و اغلب شعرهای مثنوی را که در خانه پدر یاد گرفته بود زمزمه می کرد. هر بار که مادر شعر می خواند من در سکوت گوش می دادم.» دوره سه سال اول دبیرستان را در مدرسه ابن سینا درس خوانده و سه ساله دوم دبیرستان را در مدرسه امیر کبیر. رحمان دوست می گوید: «مدرسه امیر کبیر کتابخانه نداشت به هر دری زدم تا توانستم یکی از اتاق های مدرسه را کتابخانه کنم. اولین بار نوشته هایم وقتی دبیرستانی بودم در یک مجله محلی چاپ شد و این انگیزه ای شد برای ادامه نوشتن.»

لباس عیدی که اندازه نشده

یادآوری خاطرات نوروز لبخند را بر لب های رحمان دوست می نشاند. وقتی از او می خواهیم از خاطرات نوروز دوران نوجوانی اش تعریف کند، می گوید: «آن زمان اسفند ماه به ماه بچه کشان معروف بود. بچه های آن دوران پا به پای بزرگترها در خانه تکانی عید کمک می کردند. از شستن فرش ها در کوچه تا تمیز کردن دیوارها همه کاری را انجام می دادیم به این امید که عید شود و شیر شیرای بخوریم. شیر شیر خوراک خاص همدانی ها بود. به این شکل که خوشه های انگور را در خمره های گلی ریخته و رویشان سرکه می ریختند و زیر خاک دفن می کردند تا برای عید برسد. عید از زیر خاک در می آوردند، خوراک ترشی بود که دیدنش هم لذت بخش بود.» رحمان دوست حرف هایش را ادامه می دهد: «پدر و مادرها همیشه لباس های گشادی را برای ما می خریدند تا چند سالی بپوشیم ولی اغلب شیطننت ها و توپ بازی در کوچه و خیابان باعث می شد تا لباس ها خیلی زودتر از اندازه شدن پاره شوند.»

مشق های تمام نشدنی نوروز

دوران نوروز برای بچه های قدیمی یادآور تکالیف تمام نشدنی عید است. رحمان دوست از آن روزها می گوید: «مشق های عید آن زمان تمامی نداشت. همیشه دو تا سه دفتر پر مشق می نوشتیم. بچه های آن زمان امارا راه فرار از تکالیف نوروز را هم یاد گرفته بودند و با کلک زدن و نشان دادن تکالیف یکدیگر به معلم از مشق های عید فرار می کردند.» او در ادامه به خاطره فراموش نشدنی که از نوروز دارد اشاره می کند و می افزاید: «یک روز عید به دیدن خاله ام رفتیم. خاله از آنهایی بود که عیدی خوبی به بچه ها می داد. برای همه مان شیر شیر آورده من سهم خودم را خوردم. سهم پدرم دست نخورده مانده بود، موقع خداحافظی خوشه انگور سهم پدر را در جیبم گذاشتم تا سرفرصت بخورم. وقتی داشتیم به خانه برمی گشتیم گاری نفتی را در کوچه ای باریک دیدیم. به دنبال آن صدای نفتی که: آی کنار بروید نفتی نشوید. من خودم را تا جایی که امکان داشت به دیوار چسباندم. خلاصه گاری به من خورد و من زمین خوردم. هم شیر شیر ام را از دست دادم و هم لباسم کثیف شد و کلی حرف هم از خانواده ام برای برداشتن خوشه انگور شنیدم.»

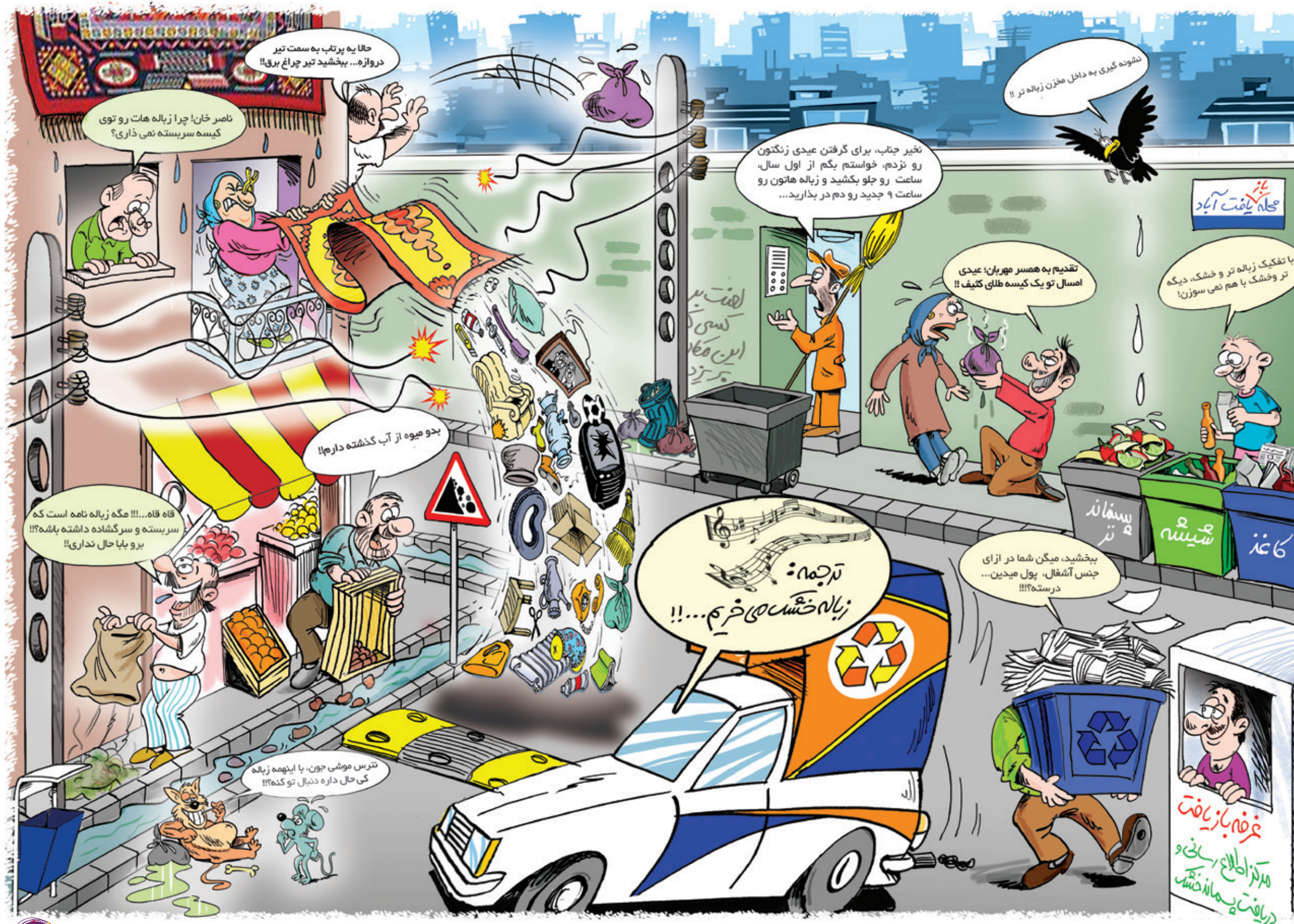


دردسره‌های
رعایت نکردن
اصول
خانه‌تکانی

رضا ماه پیکر ✨

باز نزدیک شدن به پایان سال و فرارسیدن
 عید نوروز بیشتر مردم برای سال جدید
 شروع به خانه تکانی می کنند.
 خانه تکانی شب عید از قدیم یکی از رسوم
 ویژه مردم برای استقبال از سال نو است.
 اما همین خانه تکانی اصول و قواعدی دارد
 که باید به درستی رعایت شود.
 اصولی که اگر به درستی رعایت نشود
 می تواند به محیط اطراف آسیب و ضرر برساند
 ما باید یاد بگیریم که خانه تکانی را کاملاً با
 رعایت بهداشت و نظم انجام دهیم.
 به طور مثال زباله ها را در سطح کوچه و
 خیابان رها نکنیم، چرا که موقع خانه تکانی
 حجم زیادی زباله تولید خواهیم کرد.
 نکته مهم دیگر این است که زباله ها را
 تفکیک شده تحویل محل های بازیافت
 بدهیم تا آن ها با مدیریت درست پسماند و
 زباله، شهر را از خطر آلودگی در امان سازند.
 و اما نکته دیگر این است که موقع خانه تکانی
 باید حواسمان باشد که موجب آزار و اذیت
 همسایه ها نشویم و آرامش آنها را برهم نزنیم.

شما نوجوانان عزیز باید در کنار بزرگترها خود را برای خانه تکانی شب عید آماده کنید. شما می توانید کمد و یا اتاق خود را مرتب و تمیز کنید و یا با اجازه بزرگترها در نظافت خانه نیز کمک کنید. ما در این دو صفحه تعدادی از آسیب های رعایت نکردن نظم و بهداشت را در هنگام خانه تکانی با زبان طنز برای شما معرفی کرده ایم. با ما همراه شوید.





کارشناس:
حجت الاسلام خداجویان
پژوهشگر دینی و فعال حوزه نوجوان

دید و بازدید و احوالپرسی در دین اسلام بسیار سفارش شده

ثواب «صله رحم»

✦ صغری ایزدی

“

عید دیدنی و دید و بازدید به بخشی از آداب و رسوم ما ایرانیان تبدیل شده که همواره بعد از سال تحویل معمولاً خویشاوندان و کوچکترها به دیدار بزرگترها می روند تا صله رحم را بر جای آورده باشند و سال نو را تبریک بگویند، باید بدانیم که دید و بازدید و جویا شدن احوال یکدیگر در دین بسیار سفارش شده است، به همین منظور ما با کارشناس مذهبی مجله به گفت و گو نشستیم.

با ما همراه شوید تا اطلاعات مفید و دینی

در این زمینه به دست بیاورید.



اهمیت صله رحم در قرآن

موضوع دید و بازدید یا صله رحم در اسلام، اهمیت زیادی دارد و آیات واحادیث فراوانی در این زمینه وجود دارد، دید و بازدید در ایام نوروز به سنتی فراموش نشدنی در فرهنگ ما ایرانی ها تبدیل شده است که در واقع مردم ما به این فرهنگ بسیار اهمیت می دهند البته این را باید بدانیم که در قرآن نیز در خصوص صله رحم و سر زدن به یکدیگر تاکید شده است، یکی از آیاتی که صله رحم را توصیه کرده، آیه ۲۷ سوره بقره است در این آیه به جویا شدن احوال یکدیگر بسیار سفارش شده و انجام ندادن این کار را از ویژگی های افراد فاسق شمرده و در آخر آیه ۲۶، خداوند می فرماید کسانی که صله رحم نمی کنند و جویای حال یکدیگر نمی شوند از گمراهان هستند.

اهمیت صله رحم نزد ائمه اطهار

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) تاکید زیادی در بحث صله رحم و دید و بازدید دارند و ائمه معصوم ما هم در این خصوص احادیث بسیاری مطرح کرده اند که به اهمیت آن اشاره می کند و جالب است بدانید در بحث صله رحم اعضاء خانواده در اولویت قرار دارند، مانند پدر، مادر، خواهر، برادر و بعد هم عمو و دایی و خاله و عمه در اولویت های بعدی قرار دارند.

پیامبر (ص) می فرماید: صدقه، نیکی به پدر و مادر و صله رحم، بدبختی را به خوش بختی تبدیل و عمر را زیاد و از پیشامدهای بد جلوگیری می کند. همچنین ایشان می فرمایند با تقواترین مردم کسی است که صله رحم می کند و بیشتر امر به معروف و نهی از منکر می کند.

حضرت علی (ع) می فرماید: صله رحم از واجبات اسلام است و خدای بزرگ، امر فرموده: صله رحم را گرامی بدارید، خداوند متعال با هر کس که صله رحم کند، رابطه برقرار می کند و با هر کس که از خویشاوندان خود دوری کند، قطع رابطه می کند.

اثرات و نتایج صله ارحام

همانطور که اشاره شد، احادیث در زمینه صله رحم، بسیار است که در بالا به چند حدیث اشاره کردیم. در این این احادیث، صله رحم را باعث پاک شدن گناهان، محبت خدا، ایجاد محبت در دیگران، رفع دشمنی، فراوانی نعمت و برطرف شدن سختی ها دانسته اند. صله رحم باعث می شود روح انسان بزرگتر شود، برکت او بیشتر شود و بسیاری از مشکلات و گرفتاری انسان ها با صله رحم و دید و بازدید رفع می شود.

اهمیت دید و بازدید در نوروز

۱

نوجوانان عزیز باید بدانند نوروز بهترین زمان است برای اینکه دل هایتان را نو کنید، سعی کنید اگر با دوستان خود مشکلی داشتید و یا از آنها دلخوری دارید کنار بگذارید و در رفع این دشمنی و کدورت پیش قدم شوید، چرا که خداوند می فرماید بزرگترین مردم، بخشنده ترین آنها هستند،

۲

سعی کنید در روزهای نوروز بیشتر کمک حال پدر و مادرتان باشید و در روزهای نخست نوروز به پدر بزرگ و مادر بزرگ های خود سر بزنید، چرا که خوشحال کردن بزرگترها، یکی از مهمترین دستورات دینی ما است.

۳

اگر امکان دید و بازدید با برخی از دوستان و آشنایان خود را ندارید، بدانید صله رحم فقط به رفتن محدود نمی شود، شما می توانید به وسیله پیامک یا وسایل ارتباط جمعی که امروزه بسیار رایج شده، جویای حال آنها شوید و با این کار به آنها نشان دهید که به فکرشان هستید.



ما پیشنهاد می کنیم در اوقات فراغت و
یا ایام تعطیل سری به موزه ای متفاوت بزنید

موزه شهدا

در همین تهران خودمان موزه ای وجود دارد که شاید خیلی از شما تا الان به این موزه نرفته باشید، این موزه بر خلاف سایر موزه هایی که تاکنون رفتید نه خبری از زرق و برق است و نه از تجملات و اشیای عتیقه این موزه حال و هوای دیگری دارد، اینجا همه چیز رنگ سادگی دارد، این موزه محلی است برای معرفی انسان های آزاده و مبارز، انسان هایی که برای مقاومت و جهاد تمام آرزوها و دنیای خود را گذاشتند و رفتند، شاید درست حدس زده باشید، بلکه موزه ای متعلق به دفاع مقدس و شهدا، جایی برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره تمام عزیزی که جان خود را در راه اسلام و انقلاب فدا کردند. برای آشنایی بیشتر با ما همراه شوید.



موزه شهدا تهران در سال ۱۳۷۵ با هدف آشنایی مردم با فرهنگ ایثار و شهادت شروع به کار کرد در این موزه آثار ارزشی در زمینه خط، نقاشی، تذهیب و مینیاتور وجود دارد. در این موزه اسناد و آثار به جای مانده از شهدا دفاع مقدس، شهدا مقاومت و شهدا انقلاب قرار داد.

آدرس:

تهران، خیابان طالقانی
نبش خیابان شهید
موسوی (فرصت)
تلفن: ۸۸۳۰۶۸۲۷

تالار شهدای ترور



طبقه اول این موزه شامل ۲ تالار است، شهدای ترور و شهدای شاخص است. اینجا چیزهایی را می بینید که شاید برایتان خیلی جذاب باشد از کلاه «رئیسعلی دلواری» گرفته تا دست نوشته های «میرزا کوچک خان».

تالار شهدای بین الملل



در این تالار، آثار شهدایی قرار دارد که در خارج از مرزهای ایران به شهادت رسیده اند؛ مثل شهدای دیپلماتیک یا شهدای لبنان. وصیت نامه شهید «پلارک» هم که خیلی ها او را با عطر خوش مزارش می شناسند، در این تالار است.

تالار شهدای شاخص



این تالار مجموعه آثار شهدای سرشناس و شناخته شده است. اگر وارد این تالار شوید می توانید سادگی زندگی شهدای بزرگی که به خوبی می شناسیدشان را درک کنید. به طور مثال چیزهایی که از شهید آوینی مانده و یادگاری های شهید فهمیده.

بخش های دیگر موزه



طبقه دوم مربوط به شهدای شهرستان هاست که یک ویتترین به هر شهرستان اختصاص داده شده. طبقه چهارم موزه هم کارگاه مرمت است که لباس یا وسایل دیگری که باید دائما ضد عفونی یا مرمت شوند، در آنجا نگهداری می شود.



پیشنهاد

“

در این دو صفحه سعی داریم در هر شماره بسته پیشنهادی جذاب و متنوعی برای شما آماده کنیم، چه فیلمی یا انیمیشنی ببینید؟ چه کتابی بخوانید؟ بازی های جدید کدامند؟ با نرم افزارهای کاربردی شما را آشنا کنیم و... کلی برنامه های جذاب که اوقات فراغت شما را می تواند به بهترین شکل پر کند، این صفحات را از دست ندهید.

”

امیر حسین علومی ✨

انیمیشن

فیلم

کتاب

بازی

فرزندان ایرانیم

نویسنده: داوود امیریان
نام انتشارات: سوره مهر
سال انتشار: ۱۳۹۰

پیشنهاد کتاب



پاییز در قطار

نویسنده: محمد کاظم مزیانی
نام انتشارات: سوره مهر
سال انتشار: ۱۳۸۷

پیشنهاد کتاب



این کتاب طنز دارای شصت داستان کوتاه است. محتوای داستان ها طنزهایی درباره جنگ و جبهه است. به طوری که به ما نشان می دهد که در کنار جنگ خون و بوی باروت، صحنه های خنده داری نیز وجود داشته. امیر یان با قلم طنزی که دارد این صحنه ها را به خوبی بر ایمان تعریف می کند و اکنون پس از سالها که از پایان جنگ می گذرد هنوز برایمان جذابیت خواهد داشت. دست انداختن سربازان به هم شوخی فرماده با رزمنده دلنگی ها و دلخوری ها را در این کتاب می خوانیم.

پیشنهاد انیمیشن



انیمیشن رستم و سهراب

کارگردان: کیانوش دالوند

داستان این انیمیشن به همان داستان معروف رستم و سهراب می پردازد. البته برخلاف داستان اصلی رستم و سهراب، پایان این انیمیشن متفاوت است و سهراب به دست رستم کشته نمی شود.

پیشنهاد فیلم



بیست و یک روز بعد

کارگردان: سید محمد رضا خردمندان

داستان فیلم زندگی نوجوانی به نام «مرتضی» است که برای برآورده کردن آرزوهای پدرش که ناکام مانده دست به کارهای خطرناک و بزرگی می زند که در دسرهای بسیاری برای خودش درست می کند.

پیشنهاد بازی



سبک: اکشن

مخاطب: نوجوانان

شرکت سازنده: پاپاتا

هشتمین حمله

هشتمین حمله یک بازی اکشن ایرانی است که برای پلت فرم اندروید عرضه شده است. کاربر در این بازی جنگی در نقش یک تکاور شجاع ایرانی با نیروهای بعثی درگیر شده و وظیفه دارید تا جای ممکن زمان بیشتری برای آماده شدن گردان خودی فراهم سازد.



سبک: استراتژیک

مخاطب: نوجوانان

شرکت سازنده: پاندا

غار اژدها

غار اژدها یک بازی ایرانی در سبک استراتژی است. این بازی شامل ۴ کاراکتر اژدها است. چهار اژدها که هر کدام در یک نیرو خیره هستند، غار اژدها بیش از ۸۰۰ مرحله دارد و در طول بازی باید بر ۱۰۰ دشمن مختلف غلبه کنید. بازی یک بخش آنلاین هم دارد که می توانید از طریق آن با دوستان تان مسابقه دهید.

سرزمین نوروز

رسوم مختلف

شهرهای کشورمان به مناسبت فرارسیدن سال نو

سرزمین من



* تکم گردانی در آذربایجان

یکی از مهمترین رسوم در میان آذری هارسم تکم و تکمچی است. این رسم در اصل همان نوروزخوانی است که با شعرخوانی و موسیقی آمدن بهار را مژده می دهند. تکم عروسی است که تکمچی به دست می گیرد و با تکان دادن تکم، شعرهای بهاری و نوروزی می خواند.



* مراسم عروس گوله در گیلان

عروس گوله یا گل عروس، نمایش گونه ای ست که غول، پیر بابو و ناز خاتم نقش اصلی را در آن ایفا می کنند. موضوع این نمایش میدانی شادی بخش، دعوی غول و پیر بابو بر سر ناز خاتم است. غول مظهر سیاهی و زمستان و پیر بابو، نماد باغبانی و زیبایی پسندی است.



* حلوائ نوروز در ماسال

تالشی ها برای تهیه حلوائ عید نوروز اهمیت زیادی قائلند که در گویش تالشی به آن «حلباسازی» می گویند. در پخت این حلوائ خاص و خوشمزه، باتون و دختران خانه با شور زیاد و سلیقه سعی می کنند که این خوردنی مخصوص عید خوش رنگ، خوشمزه از کار در آید.



* شال اندازی در شب چهارشنبه سوری

یکی از رسوم زیبای ورامینی ها، شال اندازی در شب چهارشنبه سوری است. بدین صورت که در بعضی خانه ها، سوراخ هایی وسط سقف داشته اند. رهگذری، شالی را به داخل خانه می انداخته و صاحبخانه هم چیزی را، به اندازه ی وسعش به رسم هدیه در شال می پیچیده است.



* رسم منجوق آتد در ترکمنها

در ترکمن صحرا، پس از انجام مناسک خانه تکانی، رسم است که نخ سفید و سیاه را با هم می یافتند و در میانه ی آن اسپند، نظر چشم، منجوق، نمک و داغدان (که نوعی چوب است) قرار می دهند و آن را، به نشانه ی برکت، بالای در خانه ها می آویزند.



* مراسم شوالفه در خرم آباد

شوالفه به معنی شب عرفه، عصر یک روز پیش از شب عید در خرم آباد است. در این شب مراسمی مانند شب جمعه آخر سال برگزار می کنند که برای شادی ارواح است و با دادن غذا به فقیران و خیرات، موجبات رضایت و خشنودی رفتگان را فراهم می کنند.



* مراسم کوسه گردی در بانه

کوسه گردی یکی از رسوم رایج در روستاهای کردستان است. در این رسم فردی در آخرین روزهای پیش از عید با لباسی مانند کوسه در کوچه و خیابان می گردد که باعث سر گرمی و تفریح و خنده ی مردم می شود. کوسه با سخنانی جالب حضار را متوجه حضور خود می کند.



* «سبزه رختن» در همدان

در همدان سبزه انداختن یا «سبزه رختن» یکی از رسوم پیش از نوروز است. به طوری که گفته می شود در قدیم آنها معتقد بودند که دانه سبزه هفت سین، حتما باید از فرد مومنی خریداری شود که این موضوع باعث رشد بهتر سبزه و نماد محصول بیشتر در سال آینده است.



درباره‌ی ماهی قرمز یا همان ماهی که در سفره هفت سین می‌گذاریم چه می‌دانید؟

ماهی عید

گردآوری: علی سیف الهی



علائم بیماری ماهی ها

- ۱ شکستگی یا تا خوردگی باله ها
- ۲ شنای نامتعال و کند ماهی ها
- ۳ بیرون زدگی چشم های ماهی
- ۴ گلوله های عجیب کنار دهان
- ۵ سفیدک زدن جداره پوست

غذا دادن به ماهی ها

تمامی موجودات زنده برای زنده ماندن نیاز به غذای مناسب و متنوع دارند. کمبود غذا باعث مرگ و عذاب این ماهیها خواهد بود؛ بنابراین لازم است روزانه حداقل در دو وعده ی صبح و شب، غذا به ماهیها بدهیم. یادآوری می کنیم که تنها از یک نوع غذا برای ماهی ها استفاده نشود و تنوع غذایی بایستی در غذای این ماهیها رعایت شود، چون نیاز های غذایی ماهیها تنها از یک نوع غذا برطرف نمی شود.



ماهی ها خیلی حساسند

ماهی ها را دور از نور خورشید و در محیط کم سرو صدا و کم رفت و آمد نگهداری کنید. از ایجاد استرس شدید، یا رفتن سریع و ناگهانی به سراغ ماهی یا زدن تلنگر و ضربه به ظرف حتما خودداری کنید. همانطور که چنانچه خود ما نیز دوست نداریم کسی آرامشان را بهم بزند تمام موجودات زنده نیز همین خصوصیت را دارند. پیامبر گرامی اسلام بارها توصیه کرده که به حیوانات محبت کنیم و آنها را هیچ وقت مورد آزار و اذیت قرار ندهیم.

ظرف نگهداری

اولین موضوعی که می تواند به عنوان یک عامل مهم در عمر بیشتر ماهی موثر باشد محل زندگی آن است. ظرفی که در آنها ماهی فروخته می شود، اغلب کوچک اند و نباید اشتباه کرد و ماهی را در همان ظروف کوچک نگاه داشت. ماهی ها به اکسیژن موجود در آب احتیاج دارند و این اکسیژن از طریق سطح هوایی که با آب در تماس است وارد آب می شود. هر چه سطح بالای تنگ کوچک تر باشد، اکسیژن کمتری می تواند وارد آب شود. پس سعی کنید تا آنجا که ممکن است از ظروف بزرگ تر و با دهانه ی پهن تر استفاده کنید. بهترین دما برای زندگی ماهی قرمز حدود ۱۰ تا ۲۵ درجه سانتیگراد می باشد. دمای محیط هرگز نباید فوری و سریع تغییر کند.



توصیه های بهداشتی

۱ دولیتر میزان آب مورد نیاز برای هر ماهی می باشد بنابراین ماهی ها را در تنگ های کوچک قرار ندهید.

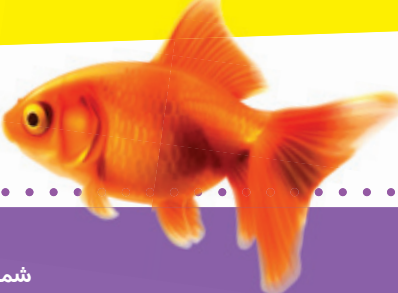
۲ سعی کنید برای استفاده از آب شهری آن را مدتی در ظرفی بریزید و در هوای باز قرار دهید و بعد این آب را به تنگ اضافه کنید زیرا این کار باعث می شود کلر آب از بین برود و ماهی مدت بیشتری زنده بماند.

۳ زمانی که می خواهید آب تنگ را عوض کنید سعی کنید از دستکش استفاده کنید و با ماهی و آب داخل تنگ دستتان تماس نداشته باشد، چرا که برخی از ماهی ها ناقل باکتری هایی هستند که برای سلامتی شما مضر است.

۴ هر باری که آب تنگ را عوض می کنید، سعی کنید فقط ۵۰ درصد آب را تخلیه کنید و آب جدید را اضافه کنید، زیرا عوض کردن کل آب باعث تفاوت دمای آب قبلی و جدید می شود و احتمال مرگ ماهی را بیشتر می کند.

۵ این نکته مهم را فراموش نکنید، پس از نور ماهی های قرمز را در محل هایی که توصیه می شود رها کنید و از رها کردن ماهی قرمز در نهرها و برکه ها و همچنین حوض های مساجد و مکان های عمومی خودداری کنید.

۶ بعد از رهاسازی ماهی ها تنگ ماهی را با موادی مانند نمک و یا پرمنگنات پتاسیم خوب ضد عفونی کنید.



نوجوان موفق

پول خرید ترقه را
برای کمک به بیماران
کرونا بدهیم

نوروز

از زبان نوجوانان موفق

سال نو یعنی نو شدن
و شروع دوباره زندگی

آتنا کاویانی

چند روزی بیشتر به شروع سال نو و نوروز نماتده
است. نام نوروز عید و سرسبزی و بهار را یاد ما
می‌اندازد. همه ما از نوروز خاطرات بسیاری داریم، از
چیدن سفره هفت سین تا پوشیدن لباس نو و دیدن
و باز دیدن، خاطرات شیرینی که یادآوری اش لبخند را
بر لبانمان می‌آورد. رسیدن نوروز بهانه‌ای شد سراغ
نوجوانان موفق برویم تا برایمان از عید و نوروز بگویند.

عرفان برزین را بسیاری از شما می‌شناسید. نوجوان ۱۲ ساله‌ای که بازی شیرینش در نقش حمید برادر حبیب در لیسانسه‌ها و نقش کهور در سریال به رنگ خاک یا ارشیا در سریال شمعدونی هنوز در یاد خیلی‌ها است. عرفان وقتی ۴ سال داشت خیلی اتفاقی وارد دنیای بازیگری شد. او تا کنون در بیش از ۴۰ فیلم سینمایی، سریال، تئاتر و نمایش خانگی بازی کرده است و به عنوان بهترین بازیگر کودک جشنواره کودک و نوجوان هم انتخاب شده است. او عید را تحول طبیعت می‌داند و می‌گوید: «با شروع نوروز زندگی دوباره در طبیعت جاری می‌شود. همه چیز زنده می‌شوند انگار دوباره جان گرفته‌اند.» خانواده عرفان به سنت‌ها خیلی اهمیت می‌دهند. عرفان می‌گوید: «از مادرم یاد گرفته‌ام چگونه تخم‌مرغ‌ها را رنگ کنم. هر سال از چند روز به عید مانده تخم‌مرغ‌های عید را خودم رنگ می‌کنم. امسال هم با کمک مادرم هسته پرتقال و نارنج را خیس کرده و در خاک گذاشته‌ام و برای سبزه سفره هفت سین سبز شدند.» بازیگر نوجوان سینما و تلویزیون بهترین خاطره نوروزی اش را بازی در تئاتر چمدان می‌داند. او می‌گوید: «یک سال ایام نوروز مسافرت رفته بودیم. قرار بود در طول نوروز در تئاتر چمدان بازی کنیم. با وجودیکه دوست نداشتیم از مسافرت برگردیم اما چون به آقای آیش تعهد داده بودم در تئاتر بازی می‌کنم و اگر نمی‌آمدیم نوجوان دیگری نقش مرا بازی می‌کرد برگشتیم و تئاتر را اجرا کردیم.» عرفان از بچه‌ها می‌خواهد که پولشان را به ترقه ندهند. او توصیه می‌کند: «بچه‌ها بیایند به جای خریدن ترقه پول ترقه‌های چهارشنبه سوری را برای درمان بیماران کرونا و پیشگیری از این بیماری کمک کنیم تا دوباره عید را با شادی شروع کنیم.»



خاطره فراموش
نشدنی تحویل سال در
حرم حضرت علی (ع)

فاطمه بختیاری نوجوان ۱۱ ساله حافظ قرآن هم از نوجوانان موفق است که ۴ سالی می‌شود قرآن را حفظ کرده است. او حضور در خانواده‌ای قرآنی را دلیل علاقه اش به حفظ آیات الهی می‌داند و می‌گوید: «پدر و مادر و برادرم همیشه قرآن تلاوت می‌کنند. برادرم حافظ کل قرآن است. وقتی می‌دیدم که خواندن آیات الهی تأثیر مثبتی بر رفتار و کردار برادرم گذاشته و همه او را به خاطر حفظ قرآن تشویق می‌کنند من هم سعی کردم مانند او قرآن را حفظ کنم. از ۴/۵ سالگی تا ۵/۵ سالگی مادرم تنها روخوانی و روان خوانی را با من تمرین می‌کرد. بعد از آن حفظ قرآن را نزد مادر شروع کردم و توانستم در مدت یک و سال و نیم قرآن را در ۷ سالگی حفظ کنم.» فاطمه مهارت و سال و نیم قرآن را در ۷ سالگی حفظ کرده. او می‌تواند آیات را از بسیاری در تلاوت قرآن از حفظ دارد. او می‌تواند آیات را از آخر به اول یا آخر صفحه به اول هم از حفظ بخواند. حافظ نوجوان قرآن رتبه‌های برتری بسیاری در مسابقات قرآنی کسب کرده است. او نفر اول ۲۰ جزء در مسابقات الحافظون و نفر اول زیر ۱۲ سال مسابقات کشور را به دست آورده است. فاطمه برای تبلیغ به کشورهای مختلفی سفر داشته و در عتبات عالیات اجرای برنامه داشته است. او از بهترین خاطرات نوروزی اش می‌گوید: «۲ سال پیش با مادر به عتبات عالیات سفر کردیم. لحظه تحویل سال در حرم حضرت علی (ع) حضور داشتیم. حس خوبی بود که سال نورادر کنار ضریح مطهر امام علی (ع) شروع می‌کردیم. معلوم بود که سال بسیار خوبی داریم.» او در ادامه درباره برنامه‌هایش برای سال نو می‌گوید: «امسال سال نو به ۲ بخش دارد یکی نوروز و دیگری مناسبت‌های دینی روزهای عید. روز اول فروردین شهادت امام موسی کاظم (ع) است و وظیفه ما سنگین تر است. قطعاً این روز را جشن نمی‌گیریم و دید و بازدید را از روز بعد از شهادت شروع می‌کنیم. سوم فروردین هم که مبعث حضرت رسول اکرم (ص) است و در این روز شادی ما برای برگزاری جشن مبعث در نوروز دو برابر می‌شود.»



نوروز
یادآور تازگی
و طراوت

ملیکا کرمی قهرمان ۱۷ ساله تنیس کشور هم یکی دیگر از کسانی است که سراغش رفتیم. کرمی تنیس را از ۱۰ سالگی شروع کرد و ۵ سالی است که به عضویت تیم ملی تنیس روی میز درآمده است. او تا کنون در مسابقات بسیاری مقام آورده است که می‌توان به کسب مدال طلا، نقره و برنز مسابقات بین‌المللی کشور قطر اشاره کرد. ملیکا با وجود اینکه سن و سال چندانی ندارد اما مدتی است که مدرک مربیگری اش را گرفته است. او در تعریف عید می‌گوید: «سال نو یعنی سال قبل چه خوب و چه بد تمام شده و ما باید از اتفاق‌های سال گذشته به عنوان تجربه برای شروع سال جدید استفاده کنیم. عید من را یاد دید و بازدیدها می‌اندازد و دیدن شور و اشتیاق مردم برای استقبال از بهار مرا هم شاد می‌کند.» کرمی اشاره‌ای به ماندگارترین خاطره نوروزی اش می‌کند و می‌افزاید: «نوروز سال گذشته برایم متفاوت بود، چون برای حضور در مسابقات در کشور عمان سال را تحویل کردیم. اگر چه لحظه تحویل سال کنار خانواده ام نبودم اما تبریک فدراسیون جهانی به ما و واقعا ما را غافلگیر کرد.» کرمی شور و هیجان مردم در روزهای پایانی سال برای استقبال از بهار و نوروز را لحظه‌هایی فراموش نشدنی می‌داند و می‌گوید: «متأسفانه امسال شیوع کرونا باعث شده تا از آن هیجان و شور و شادی قبل از عید در خیابان‌ها خبری نباشد. امیدوارم این بحران هر چه زودتر تمام شود و شادی دوباره بازگردد.» نوجوان ورزشکار موفق کشورمان شکست را پلی برای موفقیت‌هایش می‌داند و می‌گوید: «بارها پیش آمده که شکست خورده‌ام اما در چند روز پایانی باقیمانده مسابقات سعی کرده‌ام پیروز شوم. به همسالانم توصیه می‌کنم هیچ وقت از تلاش خسته نشوند. همیشه انتهای راه را ببینند و برای رسیدن به هدفشان تلاش کنند.»





ایرج حسابی فرزند
پرفسور حسابی از تلاش پدر
در تربیت فرزندانش می گوید:

پدر به ما درس زندگی داد

معصومه ماه پیکر

نام دکتر حسابی را بیشتر شما شنیده اید. دانشمند بزرگ فیزیک کشور که به پدر فیزیک ایران هم معروف است. دکتر حسابی در کنار موفقیت هایی که در فیزیک و ریاضیات به دست آورد، توانست شاگردان بسیاری را پرورش دهد. او به تربیت فرزندان خود هم اهمیت می داد، به گونه ای که مهندس ایرج حسابی فرزند دکتر حسابی معتقد است: پدر علاوه بر اینکه ساده زیستی را به من و خواهرم آموخت تلاش کرد تا یاد بگیریم روی پای خود بایستیم و در همه حال شاکر خداوند باشیم. در گزارش پیش رو پای صحبت های ایرج حسابی فرزند دکتر حسابی نشستیم تا برایمان از خاطرات دوران نوجوانی اش با پدر بگویند.



نتیجه زحمت و دست رنج خودمان

همه دوران زندگی مهندس ایرج حسابی با پدر پر از خاطره است. او می گوید: «پدر همیشه سعی می کرد با کارهایش درسی را به ما یاد بدهد. به یاد دارم در حیاط خانه مان برای من و خواهرم ۲ تا باغچه کوچک درست کرده بود که ما در آن سبزی می کاشتیم، سبزی ها که در می آمدند آنها را بسته بندی می کردیم و به مادر می فروختیم. همیشه روزهای جمعه پدر میهمان داشت، من و خواهرم جلوی پله ها بساط بلال پهن می کردیم و بلال ها را دانه ای ۵ ریال به مهمانهای پدر می فروختیم یا کفش مامان و بابا را واکس می زدیم و پدر در برابرش به ما ۵ ریال می داد. وقتی ماشین پدر را می شستیم یک تومان می گرفتیم و پدر برای شستن داخل ماشین ۲ تومان به ما می داد. هر کار ما نرخی داشت مثلاً اگر نمازمان را اول وقت می خواندیم پدر ۵ ریال به ما می داد. پدر می خواست به ما یاد دهد تا از دسترنج خودمان استفاده کنیم و بداییم برای کارهای خوب تشویق می شویم.»

تاکید برای داشتن زندگی ساده

پسر دکتر حسابی در ادامه به رفتارهای پدرش اشاره می کند و می افزاید: «یکی از کارهایی که دکتر خیلی بر آن تاکید می کرد ساده زیستی بود. او با کارها و رفتارش سعی می کرد تا به ما یاد دهد قدر نعمت های خدا را بدانیم. پدر همیشه اصرار داشت تا اگر مدادهایمان کوچک شد دور نیاندازیم. خودش هم اگر مدادش کوچک می شد دور نمی انداخت. یک نی داشت که مداد را داخل آن می گذاشت و تا تمام نشود استفاده می کرد.» خاطره دیگری که مهندس حسابی دارد به تخته رسم پدر برمی گردد. او برایمان تعریف می کند پدرش تخته رسمی داشت که برای دوران نوجوانی اش بود با وجودی که مشکل مالی نداشتند اما هر چه اصرار می کردند پدر تخته رسم جدیدی بخرد پرفسور حسابی قبول نمی کرد و می گفت: «این تخته رسم کار مرا راه می اندازد و مشکلی با آن ندارم، پس نیازی به تخته رسم جدید نیست.»

بهانه ای برای کنار هم بودن

آن طور که فرزند دکتر حسابی می گوید پدرش اهمیت بسیاری به صرف غذا در کنار هم می داد. مهندس ایرج حسابی می گوید: «دکتر هر روز ساعت مشخصی سر سفره حاضر می شد و با آرامش تمام غذا را می خورد همه ما هم دور سفره جمع می شدیم. خوردن غذا معمولاً یک ساعت طول می کشید. بعدها از دکتر شنیدم که این کارش دو دلیل دارد اول آن که به خاطر برکت سفره شاکر خدا باشیم و از خانم خانه که چند ساعتی زحمت کشیده و غذا آماده کرده بود تشکر کنیم، دیگر آنکه خوردن غذا دور هم بهانه ای برای دور هم جمع شدن اهل خانه است تا با یکدیگر درد و دل کنند و از احوال هم باخبر شوند.» او از خاطرات دوران کودکی شان می گوید: «خیلی کوچک بودم که پدر هر شب ساعت ۱۰ تا ۱۲ به من و خواهرم درس می داد. اولین اسباب بازی های دوران کودکی من ابزار آلاتی مانند پیچ گوشتی، چکش و آچار بود. مادرم همیشه نگران صدمه دیدن دست من هنگام کار با چکش بود، اما پدر می گفت: عیبی ندارد کار یاد می گیرد. با چکش کف کارگاه خانه مان میخ های زیادی کوبیده بودم، بیشتر میخ ها بر اثر ضربه کج شده بودند. یادم می آید پدر برایم سندوق خرید تا میخ هایی را که کج شده بودند صاف کنم و دوباره استفاده کنم.»



«همه سنت های ما پیامی را به ما می رساند.» مهندس حسابی این را می گوید و حرف هایش را ادامه می دهد: «به عنوان مثال شب یلدا که به عنوان بلندترین شب سال نامیده می شود به ما یاد می دهد بلندی تاریکی می رود و سرانجام روشنایی و نور از راه می رسد.» ایرانیان با آداب و سنت های خود زندگی را درس می دهند. ایرانی می دانسته آتش آغاز اختراعات جهان است، اختراعی که با آن می شود میکروب زدایی کرد و روشن کردنش او را از حمله حیوانات وحشی دور می کند.» نوروز هم به عنوان یکی از سنت های ایرانیان شناخته می شود. پسر دکتر حسابی درباره نوروز می گوید: «نوروز نه تنها آغاز فصل بهار است بلکه هر کدام از سین ها معنایی دارد. وقتی ما سنج و سیب را در کنار قرآن در سفره هفت سین می گذاریم یعنی به کتاب آسمانی خود سوگند می خوریم تا قدر نعمت های خدا را بدانیم. یا سبزه نشانه سبز و رویش دوباره و آغاز زندگی است. شمع های هفت سین روشنایی و نور را به ما ارمان می دهند هر یک از سین ها نشانه ای از زندگی دوباره و وجود آفریدگار دانا است. اگر به فلسفه سبزه بدر و گره زدن سبزه دقت کنیم می فهمیم که ایرانی بین خود و خدای خود قول می دهد و سبزه گره می زند یعنی کارهایی را تا نوروز سال دیگر انجام دهد. همه ما باید تلاش کنیم تا سنت های کشورمان را همچنان زنده نگه داریم.»

نکته مهم

دکتر حسابی همیشه به فرزندش می گفت: برای اینکه ما این انقلاب را نگه داریم باید خودمان نیازهایمان را تامین کنیم و محتاج بیگانه نشویم.

این قسمت

یک خشاب تانک برای هفت سین

داوود امیریان
برگرفته از کتاب رفاقت به سبک تانک



پس از مدتها شب عید که شده بود و بین دو تا عملیات فاصله افتاده بود ، دسته ما قرار شد برود مرخصی و یک استراحتی بکنیم و هوایی تازه کنیم و قبراق و با روحیه برگردیم. بین ما بودند کسانی که شاید شش ماه بود مرخصی نرفته بودند یا نخواستہ بودند بروند. اما این وسط دوستان دیگر انگار جان فک و فامیلشان قسم خورده بودند که حال ما را بگیرند و اذیتمان کنند و مرخصی رفتن را یه جورایی کوفتمان کنند. یکی رد می شد و مزه می پراند که «کجا؟ مگر امام نگفته جبهه ها را گرم نگه دارید و خالی نگذارید؟» و هی ادامه می دادند. دیگر مبرمان لبریز شد. اما همین که سومی گفت که: «مگر نمی گفتید ما اهل کوفه نیستیم حسین تنها بماند؟» معطل نکردیم و دسته جمعی گفتیم: «بله درسته شنیدیم ، اما مصرع دومش را نشنیدید. حالا بشنوید.

ما اهل کوفه نیستیم حسین تنها بماند
ما می رویم به تهران امام تنها نماند!

حسابی خندیدیم و آنها که قصد داشتند سربه سرمان بگذارند کلافه شدند و رفتند پی کارشان. وسایلمان را جمع کردیم و راه افتادیم و رسیدیم به دژبانی. از شانس بد ما یک آدم سخت گیر آنجا بود که مو را از ماست بیرون می کشید و تا دل و روده ساکها را بیرون نمی کشید و واریسی نمی کرد، اجازه عبور نمی داد. حالا از هوا انگار آتش می بارید و ما عرق از تمام سر و صورتمان می ریخت.

بی هوا چشمم افتاد به دو تا از دوستانم که چند نفر جلوتر از من نوبت بازرسی شان شده بود و داشتند با دژبان پیچ می کردند و بعد از نگاه های مشکوک و معنی دار دژبان دوریالی ام افتاد که آنها برایم نقشه های کشیده اند و می خواهند کار دستم بدهند. دلم هری ریخت پایین. هیچی نشده پاهایم سست شد و ترس به

وجودم افتاد. از همه بیشتر از معطلی و سوالهای سختی که در انتظارم بود نگران بودم. آخر سر نوبتم شد و چون مجرمی که به سوی دار می رود ترسان ترسان رفتم به سمت دژبان. دژبان کلاهش را جابه جا کرد و با چفیه عرق پیشانی اش را پاک کرد و گفت: «که این طور. ساکت را باز کن ببینم!»

سعی کردم لبخند بزنم. اما چه لبخندی! چیزی بدتر از گریه! دوستانم را دیدم که سرخوش و خندان دارند دور می شوند.

زیپ ساکم را کشیدم و جناب دژبان چون بازرسی کارگشته افتاد به جان وسایلم. بعد خودم را مثل اسیر نگون بختی بازرسی کرد و باز راضی نشد و دوباره رفت سر وقت ساکم. کم کم حالم جا آمد و آرام گفتم: «ببخشید اخوی. موضوع چیه؟» دژبان خسته و عرق ریزان با عصبانیت گفت: «ساکت!» گفتم: آخر من نباید بدانم چرا بهم گیر داده اید و این طوری ساکم را می گردید؟

دژبان گفت: یک کلمه حرف بزنی بازداشتت می کنم. من اعصاب، معصاب ندارم؟!

چند لحظه بعد که انگار چیزی دستگیرش نشد سربلند کرد و دقیق شد به چشمهام و گفت: «ببینم آن یک خشاب تانک را کجا قایم کرده ای؟» اول تعجب کردم. بعد خنده ام گرفت. دژبان هم چند لحظه ای هاج و واج به من نگاه کرد و بعد هم در همان حالت عصبانیت لبخند زد. فهمید که رو دست خورده و به من گفت: آخه گفتند تو داری یک خشاب تانک می بری برای سفره هفت سین خانه تان. نگاهی به دوستانم انداختم که بالا و پایین می پریدند و دست تکان می دادند. با عصبانیت به دژبان گفتم آخه کی خشاب تانک می بره برای هفت سین که من ببرم!

بعد با سرعت دویدم دنبال دوستانم.

اونا هم که انگار شیر دنبالشون کرده با سرعت فرار کردند.

داستانی برگرفته از ضرب‌المثل‌های پارسی

گردآوری سعید کاویانی

در نومیایی پسی امیک استوری

در تاریخ آمده است حاکمی که در جنگ، شکست خورده و به خرابه‌ای پناه برده و بسیار ناامید و غمگین بود، ناگهان مورچه‌ای را دید که دانه گندمی را برداشته و از دیوار بالا می‌برد. او مشاهده کرد که مورچه مسافتی از دیوار را طی می‌کند؛ ولی دانه به پایین می‌افتد و مورچه مجبور می‌شود، دوباره برگردد و دانه را برداشته و همان مسیر را طی کند. مورچه این کار را چند بار تکرار کرد تا این که موفق شد دانه را به مقصد برساند. حاکم وقتی پشتکار و کوشش مورچه را می‌بیند با خود می‌گوید: «موجودی به این کوچکی و ضعیفی با اراده محکم و تلاش توانست دانه‌ای به آن بزرگی را حمل کرده و به مقصد برساند، من که قدرت و توان دارم چرا باید دست از تلاش برداشته و گوشه‌ای بنشینم؟»



چراغی را که ایزد بر فرزندش

در گذشته مردی پاکدل و مهربان، خادم امامزاده‌ای بود. او هر شب شمعی در آن جا روشن می‌کرد تا فقیران و افراد با اعتقاد و مومن که به آن جا می‌آمدند آسوده و راحت باشند و از آن روشنایی استفاده کنند. شبی از شب‌ها مردی طمع کار به این فکر افتاد که شمع را خاموش کند تا به این وسیله، امامزاده تاریک شود و او بتواند نذرهایی که مردم به آنجا آورده اند بدزدد. سپس سر فرست آمد و شمع را از روی شمعدانی برداشت و بدون اینکه به آتش آن توجه کند سر را پایین آورد تا خاموشش کند؛ اما ریشش آنقدر بلند بود که آتش گرفت و سوخت و از آن پس این مثل رایج شد:

چراغی را که ایزد بر فرزندش
هر آن کس پف کند ریشش بسوزد

خربیا با قلا باو که

گویند مردی باقلای فراوان درو کرده بود و از شدت خستگی در کنار آن‌ها خوابش برده بود. در این هنگام دزدی آمد و وقتی همه باقلا را دید، خوش حال شد و شروع کرد به پر کردن کیسه اش. صاحب باغ با شنیدن سرو صدایی که آن دزد برپا کرده بود از خواب بیدار شد و به طرفش رفت و گفت: «چه کار می‌کنی؟» و کیسه دزد را از دستش گرفت. دزد هم عصبانی شد و به صاحب باقلاها حمله کرد. هر دو با هم گلاویز شدند. عاقبت دزد، صاحب باقلا را بر زمین زد و روی سینه اش نشست و گفت: «بی انصاف، من می‌خواستم مقدار کمی از باقلاهای تو را ببرم، حالا که این طور شد می‌کشم و همه را می‌برم.» صاحب باقلا که دید زورش به او نمی‌رسد گفت: «حالا که پای جان من در کار است برو خر بیار باقلا بار کن!»



در نومیایی پسی امیک استوری

گویند ملانصرالدین هر وقت دیگ همسایه را به امانت می‌گرفت، کاسه‌ای داخل آن می‌گذاشت و پس می‌فرستاد و هر بار همسایه دلیل این کار را می‌پرسید، می‌گفت: «دیگ شما بچه دار بود و در خانه من بچه را زایید!» اما روزی از روزها دیگ همسایه را گرفت و این بار پس نداد. همسایه چند روزی صبر کرد و چون کاسه صبرش سرازیر شد به خانه او رفت و گفت: «مدتی است دیگ مرا گرفته‌ای، چرا پس نمی‌آوری؟» ملانصرالدین با کمال خونسردی به او پاسخ داد: «دیگ این دفعه هنگام زایمان از دنیا رفت!» همسایه بسیار ناراحت شد و فریاد کشید: «مگر می‌شود دیگ موقع زایمان از دنیا برود؛ اصلا مگر دیگ، آدم است؟!» ملانصرالدین پاسخ داد: «چه طور وقتی زایمان کرد و کاسه‌ای آوردم آدم بود؟ این دفعه هم موقع زایمان مرد!»

این مثل درباره افراد طمع کاری به کار می‌رود که ضرر و زیان را برای دیگران می‌پسندند و سود و بهره را برای خود.



ویروس کرونا خطرناک است
اما به راحتی هم می‌توان با آن مقابله کرد

مقابله با کرونا

CORONAVIRUS

گردآوری دانیال اصغری



با ویروس کرونا بیشتر آشنا شوید؟

کرونا ویروس‌ها Coronaviruses

خانواده بزرگی از ویروس‌ها هستند که از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری‌های شدیدتری همچون سارس و مرس را شامل می‌شود.



کرونا ویروس‌ها در سال ۱۹۶۵ کشف شدند. تاکنون هفت نمونه از ویروس کرونا کشف شده است. نسل تازه‌ای از کرونا ویروس در منطقه‌ای از چین شیوع پیدا کرده که تاکنون جان هزاران نفر را گرفته است.

معنی کلمه «کرونا»
تاج یا هاله است.

این نوع کرونا ویروس قبل از این همه‌گیری در انسان دیده نشده بود. اولین مبتلایان این بیماری در ووهان کشور چین در بازار خوراک دریایی کار می‌کردند یا در آنجا حضور داشتند.

علائم کرونا را بهتر بشناسیم؟

بچه‌های عزیز
علائم اولیه ابتلا به ویروس کرونا را در زیر برای شما عنوان کردیم اگر این علائم را در بدن خود دیدید، هر چه سریعتر به بزرگترها اطلاع دهید تا شما را به درمانگاه ببرند.

- تب
- لرز
- سرفه
- حالت تهوع
- ترشح بینی
- تنگی نفس
- درد گلو
- سر درد
- بدن درد

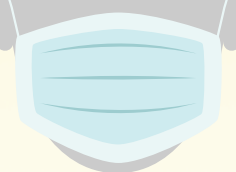


یادتان باشد بعد از آخرین تماس نزدیک با فرد بیمار، ۱۴ روز مراقب این علائم در خود باشید.

در صورت ابتلا به ویروس کرونا چه کار کنیم؟

- سعی کنید بیشتر در خانه باشید.
- با مشاهده علائم کرونا به درمانگاه بروید.
- به محل‌های عمومی مثل مدرسه نروید.
- وسایل خانگی خود مثل ظروف را جدا کنید.
- از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده نکنید.
- ویژه تب خود را کنترل کنید.
- خود را از دیگر افراد خانواده جدا کنید.
- با یک ماسک صورت خود را بپوشانید.
- بعد از سرفه و عطسه دست‌های خود را بشویید.
- پزشک معالج خود گوش کنید.
- به توصیه‌های پزشک معالج خود گوش کنید.
- از افراد سالم و افراد بیمار فاصله بگیرید.

چندگام برای استفاده صحیح از ماسک



قبل از استفاده دست‌های خود را بشویید.



ماسک مناسب و استاندارد انتخاب کنید.

ماسک استفاده شده را در جیب و کیف خود نگه ندارید.

ماسک را در نایلون قرار داده و در سطل زباله بیندازید.

بهداشت دست؛ مهم‌ترین راه مقابله با کرونا



دست‌هایتان را مکرر با آب و صابون به مدت ۲۰ ثانیه بشویید.



اگر آب و صابون ندارید، از ضدعفونی کننده‌های حاوی الکل استفاده کنید.



از تماس دست‌ها با حیوانات خانگی و وحشی خودداری کنید.



دهان و بینی‌تان را هنگام عطسه یا سرفه دیگران بپوشانید.



از لمس چشم و صورت خود به ویژه با دست‌های استریل نشده پرهیزید.



دست‌هایتان را پس از تماس با پول و دستگاه‌های ATM بشویید.



سعی کنید هنگام ورزش و رفتن به کتابخانه از دستکش استفاده کنید.



از روبوسی کردن و دست دادن با دوستان خودداری کنید.

بزن بریم سفر



مادر این دو صفحه می خواهیم
برخی از جاهای دیدنی ایران عزیزمان
را به شما معرفی کنیم که قطعا از
دیدن آنها شگفت زده خواهید شد

گردآوری دانیال اصغری



قلعه رودخان

استان گیلان



قلعه رودخان دژ نظامی بسیار محکمی است که در دوران ساسانیان ساخته شد و چند قرن پس از ساخت اولیه مجدداً بازسازی شد. اینجا را به اسم «قلعه‌ی هزار پله» نیز می‌شناسند، چراکه برای رسیدن به قلعه باید از هزار پله بالا بروید، بالا رفتن کمی سخت است اما به زحمتش می‌ارزد، چرا که شما یکی از شاهکارهای مهندسی ایران را از نزدیک می‌بینید.



شهر آبی تاریخی شوشتر

استان خوزستان



سازه‌های آبی تاریخی شوشتر در استان خوزستان قرار دارد. این سازه‌های آبی شامل مجموعه‌ای از سیستم‌های آبیاری هستند که قدمت‌شان به قرن پنجم پیش از میلاد می‌رسد. اگر از تپه‌ی پشتی این سازه بالا بروید اوج مهندسی ایرانیان باستان را خواهید دید. این مجموعه آبی نشان دهنده هوش و استعداد بالای مهندسان ایرانی در قدیم است.



تالاب انزلی

استان گیلان



تالاب انزلی در شمال کشور قرار دارد. مساحت این تالاب حدود ۲۰ کیلومتر است و حیوانات و پرندگان وحشی بسیاری اینجا زندگی می‌کنند. با قایق‌سواری در این تالاب می‌توانید خانه‌هایی را ببینید که پایه‌هایشان داخل آب قرار دارد. این تالاب علاوه بر حیوانات و پرندگان پر از نیلوفرهای آبی است که رنگ و شکل جذابی به تالاب می‌دهد.



تخت جمشید (پرسپولیس)

استان فارس

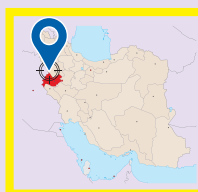


شاید تا الان نمی‌دانستید نام قدیمی تخت جمشید پرسپولیس است. این شهر پایتخت نخستین امپراتوری و مهد تمدن ایران است. در این شهر باستانی کاخی به نام تخت جمشید وجود دارد که در دوران پادشاهی داریوش بزرگ، بنا شده‌است و به مدت حدود ۲۰۰ سال آباد بوده‌است. در این جا می‌توانید تاریخ را با چشمان خود از نزدیک ببینید.



بیستون و طاق بستان

استان کرمانشاه



این دو مکان تاریخی واقع در استان کرمانشاه در فاصله‌ی کمی از یکدیگر قرار دارند. از جمله دیدنی‌های بیستون می‌توان به سنگ‌نگاره‌ها و مجسمه‌ی غول‌پیکر هرکول اشاره کرد. غار شکارچیان نیز در همین منطقه‌ی بیستون واقع است که بنابر گفته‌ها ۴۰ هزار سال پیش کسانی در آن سکونت داشتند. ما به شما توصیه می‌کنیم حتماً سری به این مکان بزنید.



کبوترخانه‌ها

استان اصفهان



امروزه بسیاری از شهرنشینان کبوترها را مایه‌ی اذیت می‌دانند، اما جالب است بدانید که کبوترها در ایران پنج قرن پیش موجودات بسیار ارزشمندی به حساب می‌آمدند. برج‌های کبوتر هم درواقع آشیانه‌ی کبوتران بودند. هر کدام از این کبوترخانه‌ها می‌توانستند ۱۴ هزار کبوتر را در خود جای دهند و از فضولات جمع‌آوری‌شده آنها به‌عنوان کود استفاده می‌شد.



کویر لوت

استان کرمان - سیستان و بلوچستان



کویر لوت نخستین اثر طبیعی کشورمان است که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. این مکان هفت سال گرم‌ترین نقطه‌ی زمین بوده است و طبیعتش آرامش عجیبی دارد تپه‌های شنی کویر لوت که به آنها یارک‌نگ نیز گفته می‌شود، دائماً در حال تغییر شکل‌اند به این معنی که اگر یک جایی را موقع رفتن نشان کنید، موقع برگشتن شاید دیگر آن را نبینید.



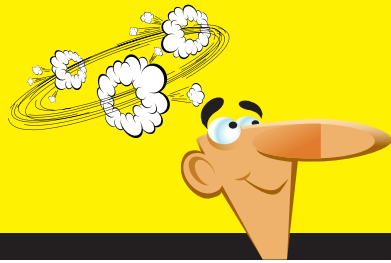
دره ستارگان

جزیره قشم



جزیره قشم دارای مناظری شگفت‌انگیز و پر از عجایب طبیعی است. یکی از این جاهای دیدنی دره ستارگان است. صخره‌های این دره از ماسه‌سنگ تشکیل شده‌اند و طی سالهای دراز بر اثر فرسایش به شکل‌های عجیب‌وغریبی درآمده‌اند که با کمی خیال‌پردازی شبیه چیزهایی مانند حیوانات، صورت، دست یا خیلی چیزهای دیگر به نظر خواهند رسید.





چیستان

در یک سید ۵ سیب داریم. آیا می‌توانید چطور می‌توانیم این ۵ سیب را بین ۵ نفر تقسیم کنیم، به گونه‌ای که هر یک از آن‌ها یک سیب داشته باشند و یک سیب هم در سید باقی بماند؟

پاسخ: تسلا شدیس لخد مجنپ رفن بیس و دراد بیس کی رفن ره آل اح دنک میسقت رگید یقاب رفن راهج نیب ار اهیبس میهاوخیم وا زا و میهدیم ل وارفن هب ار دبس → (پاسخ را از آخر به اول بخوانید)

قوانین بازی

فانون اول: در هر سطر جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.
فانون دوم: در هر ستون جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.
فانون سوم: در هر ناحیه ۳×۳ اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

جدول سودوکو

۵	۶	۳			
۲		۴		۵	
۶		۲		۴	
	۳		۲		۵
	۴		۶		۲
			۵	۳	۴

				۴	
		۴			۲
		۵	۱		۳
۲		۱	۵		
۱			۲		
	۵				

			۴		
۲	۴				
				۵	۴
۴	۱				
			۲	۳	
			۶		

	۲	۶	۴		
	۳				۱
	۴	۱	۳		
		۳	۶	۱	
۳					۴
		۴	۱	۲	

دیالوگ با مزه

بایرام: اینجانب بایرام گودرزی، معروف به بایرام لودر؛ بچه‌ها می‌گن.
حاج آقا گرینوف: انگیزه‌ی شما چیه؟
بایرام: انگیزه رو معنی شو نمی‌دونم. اون یکی رو بپرس!
حاج آقا گرینوف: ان شاء الله که نماز جمعه رفتید دیگه؟ بله؟
بایرام: بله. رفتیم، ساعت سه و نیم، چهار رسیدیم، گفتن دیگه تعطیله. برید شنبه باز می‌کنیم.



سرگرمی



زن: آقا دیشب خواب دیدم برای عیدی به انگشتر الماس بهم هدیه دادی! فکر می‌کنی تعبیرش چیه؟! مرد: خانم تا سه شنبه صبر کن معلوم می‌شه... روز عید مرد پاکتی به زن میده. زن با شوق پاکت رو باز می‌کنه می‌بینه داخل پاکت کتاب تعبیر خوابه!!

یه روز یکی میره بانک وام بگیره، ضامن نداشته منفجر می‌شه!

به یه نفر میگن با بقیه جمله بساز.
میگه: ما دیشب پیتزا خوردیم! می‌گن: پس بقیه‌اش کو؟ میگه: تو یخچاله!!

اولی: تا حالا فکر کرده‌ای اگر درآمد بیل گیتس را داشتی چه می‌کردی؟
دومی: نه ولی تا حالا فکر کرده‌ام اگر بیل گیتس درآمد من را داشت چه جوری می‌خواست زندگی کنه؟



یارو میره تئاتر دوستش می‌پرسه چطور بود؟
اون میگه: خوب بود اما آخرشو نفهمیدم چی شد... قسمت اول که تموم شد، یک پلاکارد نشون دادن که روش نوشته بود: «پرده دوم، ۲ سال بعد»؛ من حوصله نداشتم ۲ سال صبر کنم اومدم بیرون!!

شوقی با موزه گردی



۱ و باز هم وقت خونه تکونی و تغییر دکوراسیون رسید



۲ یا چهارشنبه سوری که یک رسم قدیمی است اما به خطا رفته



در پارکینگ و باز کردم برم یکی اومده جلوش پارک کرده میگه می‌خواهی بری تو؟
می‌گم پنه پنه درو باز کردم هوای کوچه عوض بشه





رتبه در شاخص ف——رورش
رتبه در شاخص بهره‌وری کل عوامل

در گروه مؤسسات بیمه‌ای ۱۰۰ شرکت برتر ایران (IMI-100)

باشما، برای جبران

بیمه
day insurance